

اگرچه با توجهات خاصه آیات الله عنایت طالبات و عموم صحیح اسلام و علمای اعلام ایران و موافقت نامه اکابر دین مبین و همراهی عقلایی مساهلین ظن کامل حاصل است که الفآت این قسم طالبان بی علم مظهر هیچ گونه اعتنا و اشتباهی نخواهد بود.

معینا برای اینکه عوام بیچاره در بلاد دور و نزدیک بدام تذبذبات و تسویلات مفرطانه نیفتند لازم آمد مجملی از بعضی خیالات این شخص بتوسط التفات حضرتعالی گوش زد خاص و عام گردد. (تأسیه روی شود هر که در او غش باشد) (مجلس شورای ملی ایران)

جواب تلگراف مجلس شورا از قائنات

حضور مبارک صحیح اسلام و وکلاء عظام مجلس مقدس ملی شهباده ارکانه - تلگراف مبارک حاوی مخالفت جوئی جناب حاجی شیخ فضل الله ریارت شد هر چند پیش از انتشار نشر طبیعی پیدا کرد، و قبل النشر شور نای برپا نمود، ولی بملاحظه احترام الخطار لازم الانشار ما دعا گوین جمال سعادت را در مرآت مشورت و ترقی ملت را در ترقیات معدلت یافته ایم بر حسب وظیفه اسلامیة محفلی مرتب و جناب افصح الواعظین آقا شیخ عبدالحمین قائبی که اول ترقی خواه ملت اند نامه مقدسه را در تلو بیسات شافیه قرائت نمودند، پس از حیرتی فوق العاده که همگان را دست داد که چرا باید طالبی شریعت نسبت محل اساس مشروطیت با مضیع حقوق ملت باشد هر يك از طبقات مستمین باسالی وظیفه دینی خود را اظهار و غیرت ملی خود را آشکار نمودند، سادات عالی درجات نکبت مخالفین را بکرامت خود نسبت دادند، زمره بخون ناحق بروانه و فرقه بکنند حقیقه و توسیع قطیفه و نحوست سقیفه معال نمودند، برخی هم گفتند که تا اینهمه در این موقع باریک که نقشبندی تحریکات مجدانه مستبدین در پیش و خیال باقی تقسیمات موهومه اجانب در عقب است باز هم در محور مقام منبع مجلس مقدس این است که تمام قوای اخلاقیه خود را در حفظ نیک و بد سلسله و جمع حیثیت جامعه مبذول و همه قوای سیاسیة خود را در قاع ماده محرکه و دفع جهت باعثه مصروف دارند

باره مقالات دبیر سرودم - سر -
تطویل و تصدیق است، سپس عموم طبقات مشمرأ
لنصرة والانتصار مستظلهراً من العزیز الجبار، لحم
مخمل را بدعای تشیید مجلس نموده بمرکز دعا گوئی
عودت نمودند

اعلان

تاریخ سرجان ملک مصور که نقشه ایران را هم داراست بطبع اعلی، کاغذ و خط خوب، در نمبر ۱۶ وکتوریا رود - کولیس لین، مازگام، بمبئی. نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی، و در اداره جبل المتین کلکته بقیمت دوازده روپه بفروش میرسد، اجرت بست بر ذمه خریدار است بهر يك از این دو مرکز میتوانند رجوع نمایند، نقشه ایران نیز عاید شده بقیمت دو روپه بفروش میرسد

ایضاً

بومیة جبل المتین بامسلك و مشرب پانزده ساله خود در طهران اشاعت می شود، هر کس در هندوستان طالب باشد در کلکته با اداره جبل المتین - و در ایران و سایر ممالک خارجه به (طهران - خیابان لاله زار - اداره بومیة جبل المتین) رجوع نماید. قیمت سالانه در ایران سوای طهران چهل و پنج قران و در ممالک خارجه عموماً سی فرانک است (میکادو نامه)

میکادو نامه منقاومه است در جنگ روس و زاوون که بوضع شاهنامه نگاشته شده، و دارای ۵۸ عکس های حقیقی میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیده هر کس خواستگار باشد با اداره جبل المتین کلکته رجوع نماید قیمت در هندوستان سه روپه، ایران يك تومان اجرت بست به ذمه خریدار است

کنفرانس صلح عمومی لاهی و

دولت علیه ایران

ورود ممتازالسلطنه نماینده اول ایران به لاهی -
انتخاب سفیر ایران از طرف کنفرانس بسمت نایب
الریاسة مجلس ، تقسیم کنفرانس بر چهار کمیسیون -
مشاغل کمیسیونهای عدیده ، قبولی شیر و خورشید احمر
بجای صلیب احمر ، نطق نماینده اول ایران - و نطق نماینده
های دول معظمه در تصدیق تکلیف ایشان ، حکمیت
مجبوری و نطق نماینده ایران در آن باب بنای محکمه
عالیه بین الدول در موقع جنگ اطلاق سفیر ایران در
باب حق دولت علیه ایران در شرکت در این محکمه -
بنای حکمیت دائمی بین الدول در لاهی و نطق سفیر ایران
در آن باب - شرکت نماینده ایران با نماینده انگلیس در
قبول تکلیف دول متفقہ آمریکا در مسئله محکمه
بین الدول - مذاکرت دیگر نماینده ایران در مطالب
متفرقه آنچه روزنامه های فرنگستان در حق نماینده اول
ایران در کنفرانس می گویند ، مطالب متفرقه در کنفرانس
بعد از اینکه تشکیل کنفرانس دویم صلح عمومی
در لاهی مقرر کردید از طرف دولتین روس
و هولند از جمیع دول خواهش شد که نماینده های
مختار بکنفرانس مأمور و روانه نمایند ، دولت عایه ایران
هم بملاحظه سابقه تجربات و بصیرت ممتازالسلطنه
وزیر ممتاز مقیم پاریس که مخصوصاً با ارسال در کنفرانس
ژنو خدمات نمایان بدولت ایران و عوالم اسلامیت نمود
با این مأموریت مهمه منی فرمود

معزی الیه هم مانند نمایندگان نامی سایر دول قبل
از موقع افتتاح کنفرانس ما چند نفر اجزایی خود
که اسامی ایشان بمرض حواهد رسید وارد شد
اول در مهان حاقه (اوراژ) در کنار دریا منزل
و بعد از چند روز عمارت بسیار عالی جدید البنائی
را در بهترین محل کنار دریا گرایه نموده و هیئت
سفارت فوق العاده خودشان را با آنجا نقل مکان دادند ،
و مخصوصاً محض احترام و یادگار مأموریت ایشان
اسم آن عمارت را طهران گذاشته اند ، و زیر بیرق
ایران که نصب بالای آن گشته بخط بسیار جلی لفظ
(طهران) نوشته شده روز افتتاح کنفرانس که

مأمورین چهل و هفت دولت روی زمین حضور جم
رسانیدند و مراسم و نطق افتتاحی علی الرسم بعمل آمد
سفیر کبیر روس را بملاحظه اینکه امپراطور روس ، روس
کنفرانس است ریاست منتخب کردند ، معظم الیه اول
تکلیف کرد که مجلس بر چهار کمیسیون متقسم شود ،
و هر یکی از آنها تکالیف و مشاغل معینه داشته باشند
و بعد برای آنها از میان سیصد نفر مأمورین و نماینده
های عدیده دول مختلفه که حاضر بودند لزوم تعیین چند
نفر از منتخبین را بسمت ریاست دیانت الاهیہ خاطر
نشان کرد ، از جمله ممتازالسلطنه را کنفرانس
نایب الریس کمیسیون دویم منتخب نمود ، رئیس این
کمیسیون (بارون مارشل) سفیر کبیر آلمان مقیم
اسلامبول است ، که سمت نمایندگی دولت آلمان
را در کنفرانس دارد

اهل مجلس ممتازالسلطنه را (البته همه کس
میدانند که تا حال هیچ وقت در همچون موقعی
مأمورین ایران را سمت ریاست داده نشد بود و دفا
اول است بسفیر ایران در کنفرانس این اهمیت داده
میشود) تبریک گفته روزنامه ها این خبر را به بهترین
وجه نشر کرده روزنامه (فینقارد) در ضمن
خبرهایی تلگرافی خود از لاهی این طور نوشت
(استمداد ممتازالسلطنه را تمام فرنگ می شناسد نباید
تمجب کرد که کنفرانس بین الدول سمت ریاست ایشان
داده ، باید گفت برد که انتخاب نماینده بسیار محبوب
شاهنشاه دولت ایران در مملکت ما این قدر اسباب
مسرت خاطر عمومی شده است

باری تکالیف چهار کمیسیون بقرار ذیل معین شد

(تکالیف کمیسیون اول)

تعبیر و اصلاح قرارنامه واجع بر اینکه منازعات
بین الدول بصلح و دوستانه انجام پذیر بشود

ترتیب کمیسیون تحقیقات بین الدول و مسائل واجع

بر آن

ترتیب مسائل واجع بر آنچه در موقع جنگ از
اموال دول و یا از اشیاء مات گرفتار و توقیف
میشوند

(کمیسیون دویم)

اصلاح قواعد جنگ بری

ابقای قرار و مدارهای سال (۱۸۹۹)

ترتیب حقوق و تکالیف دولتی طرف در موقع جنگ بری

قرار نامهای لازم اعلان جنگ

(کیسون سیم)

قراردادهای لازمه در موقع جنگ راجع به تیراندازی توپهای بحری بشهرها و دهات کنار دریا و نارنجکهای زیر دریا و غیره

قواعد راجع کشتی های دولتی متنازعین در بنادر دولت بی طرف

ترتیب اجرای قواعد قرارنامه (ژنو) که مخصوص جنگ بری است در موقع جنگ های بحری

(کیسون چهارم)

ترتیب قواعد راجع برمسئله تغییر کشتی تجارتي به کشتی جنگی

قواعد راجع براموال رعیتی و غیر دولتی در دریا مهات و مساعده برای عزیمت کشتی ها در بنادر بی طرف در موقع جنگ

قواعد راجع بر حمل اموال که قدغن هستند در موقع جنگ

مخاصره بندی

قواعد انهدام کشتی های توقیف شده در صورت مجبوری

کلیه قرار و مدارهای جنگ های بری و بحری از این تکالیف کیسون های چهارگانه که عرض شد مطالعه کنندگان محترم از امور کنفرانس تا يك درجه مطلع خواهند شد در تمام این کیسونها نماینده اول دولت عالیته ایران سمت عضویت دارد، مقصود از تقسیم کنفرانس بر چهار کیسون این است، که در هر کیسون محدودی از منتخبین مأمورین دولتی عضویت داشته باشند تا جمعیت کمتر شده و زودتر قرار و مدارها را نوشته و تهیه نموده بکنفرانس بیاورند، و همین ملاحظه است که هر یکی از این کیسیونها هم منقسم بر دو کیسیون جزو شده، حق و قبلیکه باز در مطالبی عقاید مختلف میشود آن وقت رئیس مجلس چند نفر از اعضای بصیر و با علم و اطلاع هر یکی از کیسیونها را

ترتیب و انشاء مضمون قرارنامه را که جامع عقاید عمومی گشته و بشواید موافق سابقه و طرف تصدیق عمومی بشود بر عهده آنها رجوع می کند، و آنها را مجلس تحقیقات و یا اداره اشاه می نامند.

ممتاز السلطنه نماینده اول ایران که اعضای جمیع کیسیونها است و باید هزار نامه همه آنها را امضا نماید بدون آنی فراغت باید در همه آنها حضور هم برساند، خصوصاً بر حسب انتخاب در دو مجلس تحقیقات هم که هر یکی فقط مرکب از چند نفر هستند عضویت دارند مأمور ایران بموجب صورت مجلس های کنفرانس و روز نامجات هولند و غیره در تمام مذاکرت شرکت و مداخله دارد، و متصل طرف مشورت است، و الا جزو اداره تحقیقات نمی شد، اگر راپورت همه خدمات ممتاز السلطنه را سوبسیم کنای لازم است، و آنکه می تمام آنها را در نای در صورت مجلس بجلد کنفرانس و از قرار نامهای جدید هم خواهند دید، عجزالتاً از خدماتی که تا حال کرده و از اطلاق های ایشان در کنفرانس بعضی را که مفید حال عمومی است برای اطلاع خاطر شریف مطالعه کنندگان محترم روز نامه مقدمه خواهیم نگاشت

چون مسئله قبولادت استعمال شیر خورشید احمر بجای صلیب احمر که از سی سال قبل بر این از برکت سهری که مأمورین ایران در امضای قرارنامه سال ۱۷۲۴ مسیحی (ژنو) کرده بودند، مسئله است راجع به عالم اسلامیت و خدمتی است که بشریت غمراه حضرت نبوی (ص) شده است، لهذا تفصیل آرا بر مطالب دیگر تقدم خواهیم داد و اول عرض مراتب آن خواهیم پرداخت

لا یحیه یکی از خیر خواهان

قابل ملاحظه وکلای محترم شورای ملی

الایوم روزنامه های ایران رسید خبر جشن عید ملی یعنی روز مسعود اعلان مشروطیت و ابتدای انعقاد پارلمنت که متصادف بچهاردهم شهر جمادی الثانیه بوده از مطالعه شکوه آن جشن فیروز بی اختیار اشک مسرت چون دانه سروارید از بحر دیده بدامان فرو ریخت چنین نیاز بجهت تشکر بر خداوند بی نیاز بر زمین گذاشته گفتیم

(الحمد خدا را که نمرديم بديديم)

(مقصود عزيزان و محطاب برسيديم)

آفندر نماند. بود که از کثرت مسرت مرغ روح از قفس بدن پرواز کند و از خواندن نطقها قوه ناطقه بهيجان آمده بی اختیار، گفتم

(اينکه می بينم به بيداريت يارب يا بخواب)

(خوبستن را در چنين نعمت پس از چنين عتاب)

الله الله اين همان مات است که سال پيش در خواب غفلت هميا و در وادی جهالت راه پيا بود، چه شد وجه سانحه رخ نمود که دفعتاً بيدار و در صراط مستقيم رهسپار گشتند، از جاه جهالت بيرون و بر مسند عدالت نشسته بچهار بالش حریت نکیه زدند، با وجود اين همه مستبدین داخله و خارجه چگونه اين ملت نجيب با تدابير صائبه علم مشروطيت برفوق فلك آزادی و حریت زدند و لشکر عدالت را بر حزب استبداد نصرت دادند، آفرين بر غيرت و حيت و همت و مردانگی عموم ملت پسندانه شما، با اينکه مخالفين شما را بيلم و معرفت و بی اطلاع ميدانستند گوی سبقت از عموم منمدنين جهان در رويد، و بنیان اين اساس مقدس را محکم و مستحکم فرموديد.

اکنون ميتوان گفتم (اليوم اکملت لکم دینکم) و حال شريعت خیرای نبوی (ص) روشن گشت که پيش ازین در ظلمت استبداد نا پیدا و مظلم مانده بود، خدا رحمت کند مظفر الدین شاه را که حقیقتاً عادل بود که (عدل مظفر) تاریخش کردید، و خدا بیا صرزد قال ابن شعر را

دنیا خراب و دین بخل بود عدل شاه

آباد کرد هر دو کتون جام باده خواه

بيعدل مستجاب نکرد دعای شاه

شاهای دعای خویش همه مستجاب خواه

ای برادران افسوس که ما را دست رس نشد که در این عید سعید با شما سهم و شریک باشیم، و شما را تبریک نهایم (یا ایلتنا کنسا معکم) اکنون که ازین فیض عظمی محروم گشته ایم و بنیر از دعا از دست ما چیزی بر نمی آید، خداوند بجمع هموطنان میمون و مبارک فرماید، و تا ظهور قائم آل محمد (عج) مستدام فرموده سال بسال بر شکوهش بیفزاید

این روز مثل روزیست که یوسف عدالت از زندان مذلت بیرون آمده و بر سر بر عزت نشسته، و مانند آن روزیست که فرعون استبداد در بحر احمر غرق و موسی حریت بی اسرائیل را از اسارت رهائی داده، و بساحل سلامت و نجات کشیده، و این روز مانند روزیست که خلیل الرحمن را آتش استبداد نمرود مردود گلستان گشته، و این روز مانند آن روزیست که روح الله از چنگ ظلم و استبداد اسرائیلیان خلاصی جسته و اوج عزت گزیده، هموم مساهین را لازم است شکر این نعمت عظمی نموده و آنروز مبارک را سعید دانند، و سال بسال بر شکوه آن بیفزایند، در این باب آنچه بنظر قاصر نگارنده می آید لازم است در پیشگاه حضور آقایان حج الاسلام عرضه بدارد که مؤسس این اساس مقدسند، اگر صلاح بدانند این عید را بحساب سال شمسی قرار دهند مانند عید نوروز که آنهم عید ملیست و این را هم ششم مرداد ماه جلالی ۲۵ ژوئیه میلادی، چون اگر بحساب قری باشد رفته رفته بزهستان و به برف و باران و کواکب می افتد، این جشن فیروز را چنانچه شاید و باید رونق نمی توان داد، ولی در شمسی دانما تابستان بوده در تحت نیبان نمی ماند، چنانچه در ایام سعادت هم اکثر روز و کارهایی ملی را بشورا حکم فرمودند، مثل تاریخ اسلام بعد از گفت و شنود بسیار هجرت قراردادند، و منافع شمسی یکی هم اینست که در تاریخ عموم مال ثبت و ضبط میشود و همه آنروز را میدانشند و تهنیت میدهند، در طاق نیبان نمی ماند، بدیهی است که در داخله و خارجه آنروز میمون را تبریک خواهند گفت، چنانچه تولد اعلی حضرت سلطان عثمانی بحساب قری است، لکن بلوش بحساب شمسی است ۱۹ ماه از (آغوست)

خبرش از جبارت آذت که اگر صلاح بدانند معمول دارند، در یادآوری خود را بختیار میدانیم و اگر در فکر خطا باشد معذرت میخواهم، بیانی آزادی افکار و علم همین است، هر کس هر چه میداند بیان نماید، چنانچه پسند و مقبول عامه باشد عمل میکنند و اگر فکرش باطل باشد خورده نگیرند و بکسی هم زیان نرسانند مگر زحمت هوار مطالعه کردن، باری وظیفه ما

حما گفتن است و بس

لمسروا با حکامراتی زنده باد
مجلس شورایی تو یابنده باد
دوستان را نباشد دل غمین
دشمنان خاک و خون آکنده باد

تلاکرافات

(۲۱ رجب المرجب - ۲۱ آگست)

§ تلگرافی از (موسامیدیس) رسیده که قشون
(برنکیس) (۷۰۰۰) نفر باغیان (روکادوس) واقع
جنوب غربی افریقا را با تلفات زیاد هزیمت داد .
تلفات (برنکیس) ۵۰ نفر متول و ۲۰ نفر مجروح
بوده است

§ دو دسته از فوج محافظ قوسا با نجات خارجه به
(کاسابلنکا) فرستاده شد

§ عهدنامه اتحادیه روس و انگلیس در (پتسبرگ)
امروز بصره رسید

(۲۲ رجب المرجب - اول ستمبر)

§ (جنرال درود) بوزارت خارجه فرانسه تاگرافا
اطلاع داد که تا فاصله دو روز راه دور از (کاسابلنکا)
میتواند حمله نماید، ولی در داخله ملک بهیچ نوع موقع
دخالت نیست، دولت فرانسه وعده محافظت (کاسابلنکا)
و سزا دادن قاتلین اهالی اروپا را نموده است

§ در تانجیر منظره غریبی مشاهده می شود، بسیاری
از باشندگان خارجه سوار جهاز شده رهسپارند و هفته
آتی به اطفال و عیالشان را هم می برند

§ اعلیحضرت امپراطور روس بی خبر امروز در
(پتسبرگ) وارد و در کلیسیائی که بر مقل الکزنندر
دوم ساخته اند رفته و بعد شربک مجلس مخصوص گردیدند
(۲۳ رجب المرجب - ۲ ستمبر)

§ مخبر (روتر) از (توکبو) خبر میدهد که جراند
ژاپون عهدنامه روس و انگلیس را تبریک نموده، میگویند
چون این عهدنامه مبنی بر امنیت سرحدی هند است
از این رو ذمه داری دولت ژاپون در عقد عهدنامه
با انگلیس بسیار کم خواهد گردید

§ روزنامهجات امریکا متفقاً می نویسند که مجمع الجزائر
(فلیپین) را باید فروخت، چه مصارف زیاد در آن
می شود، و تا امروز هشتاد میلیون لیرا از خزینه

امریکا صرف آن شده است

§ وقایع نگار (طمس) از (تانجیر) می نویسد
که (مولی حفید) بسططان (مراکو) نوشته که از
حکومت دست بردار شود . علماء فتوی داده اند که
سلطان از (فیض) نهضت نموده جبهه محاربه با برادرش
برود -

§ تلگرافی از (تانجیر) رسیده که سفیر دولت
انگلیس مکتوبی از (مکین) یافته که شروط (رسولی)
در آن مذکور است

§ نماینده حکومت (حبش) موسم بهار در (برلین)
بدبخت سان لشکر به حضور امپراطور آلمان رسید
§ از اداره خارجه خطی به (حافظ اواد) رسید
متضمن دستور العملی که مکتوب الیه بجهت انتظام
حکومت از جانب اهالی مصر فرستاده بوده است

§ در مقام (رند) بر چینیان خیلی ظلم و تعدی می
شود - بر یکی از عمارات چینیان حمله نموده یک نفر
از اهالی آن عمارت را بقتل رسانیده اند - در ماه
آگست ۲۳ نفر کشته شدند که اکثر شان چینی بوده اند
§ دولت (اسپانیا) و دولت فرانسه، اگر انتظام
بلیس بطریق اکل در تانجیر - تینون - لاریش - و -
انصار نشد جبهه محافظه اهالی اروپا اراده فرستادن
قشون حفظیه دارند

§ (جنرال درود) روز یکشنبه اصحاب را با فاصله پنج
میل از قرارگاه خود با جمیت کثیری در یافته - و
حمله بر آنها نموده عقب اشانید، در حین فرار هم دست
از شرارت نکشیدند

§ امیرالبحر (فلیبرت) راپورت داده که تاریخ
دوم ستمبر جنگ مغلوبه بوده، شایک از جهاز جنگی
هم منصلامیشد - گفتگوی مصالحه با ایاچی مولی حفید
می شود

(۲۵ رجب المرجب - ۴ ستمبر)

§ قبیله بی حسن که در وسط (رباط) و (فیض)
مقیم اند و در آنجا ساطان عبدالعزیز اراده رفتن
دارد هوا خواه مولی حفید شده اند

§ وقایع نگار (دیلی تلگراف) از (کاسابلنکا) می
نویسد که از اخبارات (فیض) ظاهر شده هوا
خواهان مولی حفید در (یسینینی) وزیر خارجه

و نایب دوم او را در (تنجیر) بقتل رسانیده اند
 § ۳ نفر از آنها یکی قصد قتل اعلیحضرت امپراطور
 روس را داشتند دیروز محکوم بسزای اعدام شدند
 § والا حضرت خدیومه مصر مراجعت به اسلامبول نمود
 § تلگرافی از (کاسابلنکا) رسیده که تاریخ سوم ستمبر
 بمفاصله ۶ میلی شهر حمله سختی بر هیئت مفتشین
 شده تا عرصه دراز از طرفین نایره جدال مشتمل
 بالاخره دشمن را عقب نشانده و در اردوگاه شان
 قشون داخل گردید (کرنل پرودست) افسر قشون محافظ
 سفارتخانه خارجه و ۷ نفر سرباز کشته شدند

(۲۶ رجب - ۵ ستمبر)

§ از اردوی فرانسه ۱۷ نفر در (کاسابلنکا) زخمی
 شده، از اخبارات ظاهر می شود که اعراب دوباره
 جمع و بر قشون فرانسه که بعد از ختم جنگ بر
 می کشیدند حمله نموده اند - (مسیو کلیمسو) منکر
 است از اینکه (جنرال درود) شکست خورده است
 § جنگ اعراب روز سه شنبه زیاد اهمیت داشته و
 دایره و ناگهان حمله کرده بودند، معلوم می شد که
 اعراب از زمین بیرون می آمدند . ولی شلیک قشون
 فرانسه مانع بود از اینکه نزدیک آیند ، بعد از مقابله
 ۳ ساعت اعراب فرار نمودند
 § پادشاه (آنام) محکوماً سلطنت را بفرزند دومی خود که
 ۸ ساله است سپرده و دستبردار از تخت و تاج شد
 § مخبر (روتر) از (بیکن) خبر میدهد بموجب
 فرمان امپراطور پاریس ، (یان شی کائی) وزیر خارجه چین
 مقرر شده است

§ در ساحل (بولکا) مرض وبا شیوع یافته ، در
 (پترسبرگ) برای جلوگیری از سرایت مرض تدارک
 لازمه می شود

§ سفیر روس (مسیو اسویسکی) بقصد ملاقات با
 اعلیحضرت (ادورد هفتم) پادشاه انگلستان امروز
 در (سرینباد) وارد شده

§ امیرالبحر (دروری) را با ۵۰ نفر از سرکردگان
 افواج بحری (مدیترانه) که به اسلامبول رفته سلطان
 دعوت نموده و نشان عنایتی به امیرالبحر اعطا فرمودند
 § نشان (گرانده کراس آف وکتوریا) را اعلیحضرت
 پادشاه انگلستان به (مسیو اسویسکی) سفیر روس اعطا
 نمود (مسیو اسویسکی) با پادشاه معظم الیه شرکت در
 تاول اشتانمود، قرب ۳۵ دقیقه محرمانه گفتگویی کردند

§ دولت (و نزولا) وکلای خود را از کافرانس
 (هیک) رجعت داد

(۲۷ رجب المرجب - ۶ ستمبر)

§ تلگرافی از (کاسابلنکا) رسیده که قشون
 فرانسه مقام (مرغان) را بدون مقابله و مدافعه قابض
 و ذخیره و اسباب حرب و اسلحه اعراب را ضبط
 نموده تا بدست مولی حفید نیوفند (۷۰۰) نفر سرباز
 کک در مراکو فرستاده شد

تلگرافات روتر راجع بایران

(۲۵ رجب المرجب - ۴ ستمبر)

§ مخبر (روتر) از طهران خبر میدهد که اعلیحضرت
 اقدس شاهانه دیروز اعضای مجلس شورای ملی را در
 دربار هایونی احضار فرموده ، بیست نفر برای شرفیابی
 به حضور اعلی انتخاب و حضوراً ذات اقدس همراهی
 خودشان را بمجلس اظهار و آنها را ترغیب به پیش
 رفت مقاصد صحیحه فرمودند

§ جناب صنیع الدوله رئیس الوکلا از ضعف مجلس و
 بی نظمی و نا اتفاقی وزرا با مجلس شکایت نمود .

§ اعلیحضرت اقدس هایونی ارشاد فرمودند که
 عنقریب مجلس را از تعیین وزیر داخله مطلع خواهند فرمود

§ از جناب مشیرالدوله شاه خواهش فرمودند که
 عهده رئیس الوزرائی و وزارت داخله را قبول نمایند
 معظم الیه قدری تمجیح دارد .

§ جناب صنیع الدوله هم استعفای خود را از ریاست
 پارلمان خواستگار شده اند

(سانح رجب المرجب - ۹ ستمبر)

§ مخبر (روتر) از طهران خبر میدهد که جناب
 اشرف مشیرالسلطنه رئیس الوزرا و وزیر داخله ایران
 منتخب گردید

§ از تلگراف مخصوص ظاهر گردید که جناب اشرف
 سعدالدوله وزیر خارجه منتخب گردیدند

حبل المتین

مظنون است که ازین و بعد در پیش رفت مقاصد
 ملت و دوات عاقبتی پیش بیاید ، چه بموجب تلگرافات
 مخصوصه ذات اقدس شاهانه شخصاً جد و در پیش
 رفت مقاصد ساعی اند گویا انتخاب وزرای هشتگانه
 مسئول را نیز شخصاً ذات اقدس هایونی نموده اند
 انشاء الله میمون و مبارک است

● جبل المتین کلکتہ ●

مدیکل کالج استریٹ نمبر ۴

Hablut Matin Office,
4, Medical College St.
CALCUTTA.

● کلیہ امور اداره با ●

مدیر کل مؤید الاسلام است

● ہر دو شنبہ طبع ●

و سہ شنبہ توزیع میشود

● یوم دو شنبہ ●

۷ شعبان المعظم ۱۳۲۵ ہجری

● مصادف با ●

۱۶ ستمبر ۱۹۰۷ میلادی

● وکلا دمہ دار ابوحیات مشترکین اند ●

(بدل ابونہ اخبار پیشگی گزرتہ میشود)

● نامہ مقدسہ ●

المتین

● سنہ ۱۳۱۱ ●

(مراسلاتیکہ بدون امضای معروف اداره)

(باشد درج نخواهد شد)

● قیمت اشتراک ●

سالانہ - - شش ماہہ

● ہند و برہمہ ●

۱۲ روپیہ - - ۷ روپیہ

● ایران و افغانستان ●

۲۰ قران - ۲۵ قران

● عثمانی و مصر ●

۵ مجیدی - ۳ مجیدی

● اروپا و چین ●

۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک

● روس و ترکستان ●

۱۰ منات - ۶ منات

● در این خریدہ از ہرگونہ اخبار و وقایع سیاسی و مدفع دولتی و فوائد مافی بحث میشود ●
(مقالات عام المنعمہ مقبول و در انتشارش ادارہ آزادست)

● رحمة اللہ علیہ رحمة واسعة ●



بزرگترین رجال خیر خواہ ، و اعظم وزرای متمدن متدین در ستکار حیر اندیش ، فدائی وطن ، و شہید
راہ ترقی خواہی ، مؤید مشروطیت سلطنت ، افتتاح کنندہ شورایی امت ، بلند نمابندہ برق انجساد و ترقی
ایرانیان ، مجسمہ صداقت و راستی ، زبردست پرور ، راسخ الاعتقاد ، مستنہم المراج ، صالح جو ، امید طالب ،
معارف یزود ، نوع پرور ، دوست نواز ، مدار کنندہ با دشمنان ، محبوب القلوب ملت حزب آقا میرزا نصر اللہ
خان مشیرالدولہ صدر اعظم اسبق ایران کہ از ابتدای عمر بدرست کاری معروف ، و بدولت خواہی
و ملت نوازی موصوف بود ، پس از گذاردن یک دنیا نام نیک ابن جہان فانی را وداع فرمود
شرح زندگانی ابن مرد بزرگ را کتابها باید . و بر ذمہ قدر دان ماست کہ در موقع خود حقوق آن

واد مرد وطن خواه را ادا نمایم ، همین قدر در درستکاری این مرد کافی است که حق دشمنان خیر خواهی و درستکاری او را در حق ملت و دولت تسلیم داشتند ، و ازین رو در چهل و پنج سال که داخل خدمات دولتی بود تا چند ماه قبل که از صدارت استعفا داد تنزل در مقام و رتبه ندید ، علومقام و مرتبه در آن مرحوم ابدای داعی برغرور و نخوت نگردید ، با دوستان دیرین و اصداقاء خالص خود هیچ تغییر وضع و تبدیل مسلك نداده ، بجزرت میگوئیم چنانچه پادشاهی بعدالت مظفرالدین شاه به تخت سلطنت ایران جای نگرفت ، وزیر خیر خواهی هم مانند مشیرالدوله برمسند وزارت متمکن نگردید

تاریخ این مرد بزرگ از نقطه های تاریک و لکه های حیات خالی است ، و نام آن مرحوم تا قیامت باقی خواهد ماند ، و بخیر یاد خواهد شد . چرا بخیر یاد شود و نام نیک از آن مرحوم باقی ماند که حزنیکی هیچکس نکرده ، و جایگهبران عالم فاضل با سیاست و دانشی که نوردیدگان ملتند مانند جناب مشیرالملک و مؤتمن الملک تربیت کرده که درست کاری و دیانت و سیاست و خیر خواهیشان در حق ملت و دولت بارها بعرضه شهود رسیده ، و هر یک مستعد و قابل هم ، گونه خدمت بمات و دیوات و وطن عزیز خود هستند ، اعضای اداره حبل المذین نظر بآن روابط معنوی که بآن مرحوم داشته ، با هزاران قلم نمی تواند اندازه اندوه خود را درین مصیبت عظمی ظاهر دارند ، فقط قلب خودمان را بهمین تسلیم میدهم که دونهال برومند و یارگران ارجمند بیادگار آن مرحوم پیش از پیش چشم و دل مات را روشن خواهند نمود خدایش غریق رحمت خویش فرماید

وکلای محترم ملی

شاه بزرگواران امین ملتید ، حافظ حقوق ملتید ، مسئول ملتید ، بار امانتیکه شما بدوش کشیده اید بقدری سنگین است که فیل ناف بزمن می نهد ، خیلی باید ملتفت خود باشید ، اینک سیزده ماه است مات شمارا انتخاب نموده بپی و بیناقت هنوز کاری که در خور شأن شورای ملی و مقام منبع خودمان باشد نفرموده اید ،

اخبارات خارجه ایران و ابرایان و مجلس شورایی ما را مضحکه می نمایند ، کم کم موکلین شامم برشا جسور میشوند ، شما میدانید هر چیز ابتدا کوچک است ، رفته رفته بزرگ می شود ، اگر شما وکلای محترم هر سخن که زبان می آورید مال او را ملتفت شوید تا اغراض شخصی جلوه نماید مسئله محاکمه شما پیش نمی آید ، امروز قولی است ، خدا نکرده فردا فعلی می شود ، حالا شوخی است ، من بعد جدی میگردد ، فرق نمیکند ، کلا همه در یکمرتبه اند ، توهمین هر یک از آنها توهمین دیگران است ، اگر یکی را بواسطه عدم مال اندیشی محاکمه کشیدند ولو در خود مجلس باشد گویا همه را محاکمه کرده اند ، آنوقت دارالشورای ما عدالت خانه وکلا خواهد شد ، رعایت وکلا از دل وزرا خواهد رفت ، عظمت محاکمه آنها هم مرتفع خواهد شد ، وکلا را باین جزئیات چه ؟ وکلا را وظیفی است جداگانه ، که با کمال خجالت عرض می نمایم برخی بآن عمل نمی نمایند ، وکلا باید محافظت حق موکلین خود را نمایند ، نه دفاع از فلان وزیر و بهمان امیر ، مردم را نمیتوان گفت نفهم آخر شما هم بیروز صوت همین مردم بودید ، درست ملتفت شوید که چه عرض میکنم

لما کم کم کار دارد درز پیدا میکنند ، اگر شاه بزرگواران تغییر مسلك ندهید ، و مجلس تغییر وضع پیدا نکند ، ملی کار نهیسان مارک خواهد کشید ، وگن نداریم از آن بعد هیچ اسباب خارجی برای عود تباد درکار باشد

اخبارات ، محاکمه مارجه نشسته مجلس مقدس ما را کشیده ، و اصول بی نظمی داخله مجلس ، و وضع محبت ، بهم مردم را برای محترم را بوضی می نمایند که بی اختیار وقار و عظمت مجلس و مجلسیان بلکه عامه ایرانیان از انظار و تلوین خارج محومی شود بیشتر خرابیهای کار از عدم اجرای قوانین داخله مجلس است و این امر او را وظیفه ریاست میباید . از عمل ناقص نتیجه کمال نمیتوان گرفت ، مجلس که باین بی نظمی و بی اصولی باید مملکتی را منظم نماید ، منتنایی که قوانین راجعه بمجلس خودشان را اجرا نمایند ، نه باید توقع کنند که قوانین موضوعه ایشان در یک مملکت و سببی اجرا شود

اعظم وظائف شاه بزرگواران بصحه رسانیدن قانون اساسی است تا آنکه حدود شاه و رعیت معین نشود تعیین حدود حکام هیچ قائده ندارد ، تا زمانی که قانون اساسی بصحه هابونی نرسد ، و حدود رعایا و اختیارات پادشاه معین نگردد دولت ایران مشروطه معنوی نیست مشروطه شدن تنها بقول نمی شود ، فعل و عمل می خواهد ، این اول وظیفه مجلس است که لازم بود در همان اول وهله اقدام فرمایند ، امروز وکلای محترم باید

حساب و خور را بر خود حرام، اوقات مبارک را صرف هیچ کار نکند جز ترتیب و تصحیح قانون اساسی، اگر قانون اساسی ما صحیح شده بود تا با امروز بودجه ما مرتب بود، نه پادشاه را یاری آن بود که زاید بر حقوق خود تصرف در بیت المال مسامین نماید، نه قهوه چنان میتوانستند بی هزار تومان بر ما واجب خود بیفزایند، و نه درباریان قدرت داشتند دو بیست هزار تومان خرج بیلاق از بیت المال المسامین بخواهند، تمام این مراتب ناشی از عدم صحیح قانون اساسی است

اینک یکسال است ما مجلس شورای داریم، اعظم بر تمام وظائف مجلس اصلاح مالیه است ولی بواسطه نداشتن قانون اساسی، و عدم تعیین تکلیف تمام مالیه دولت بدتر از سنوات سابقه یا مال شد، و از میان رفت، این نکته بخوبی ظاهر میدارد که چنانچه باید و شاید نگرانی از مالیه مملکت نشده چرا؟ قانون اساسی بصدقه نرسیده و بدتر از سابق تصرفات بجا در مالیه مملکت میشود، چنانچه جمیع طبقات ارباب حقوق فریاد شان بلند است یکسال است مجلس شورای داریم و از یکسال قبل هم عثایها محدود ما تجاوز کرده بودند، از رویی نظام صحیح يك فوج سرباز بسرحده خود بسوق ندادیم، چرا؟ مجلس انتظام ندارد، و کلا از روی صحت وجد در معاملات لازمه بحث نمی نمایند، و ازین رو قانون اساسی بصدقه نرسیده، و بد جهت بیت المال مسامین تحت نگرانی نیامده همه نواهی را حل بر بی پولی می نمایند صرف دهید که برای خرج بیلاق دو بیست هزار تومان پول هست ولی برای حرکت دادن جلد فوج بسرحده پول نداریم، علاوه بر این گروه، مواد بر ما چه میکنند و با این اصول چه طور کارها پیش رفت تواند نمود

خوف ما از دو امر است اول آنکه مات از وکلای محترم خود در اصلاحات لازمه مأیوس شده، ازین جوش و خروش افتاده، ترك همراهی گویند، آنوقت معلوم است که حال شاه بزرگواران در جلو مستبدین چه خواهد بود

گذشته بر این درین دوره پادشاه را حق تبدیل و کلا نیست، و از مدت وکالت این دوره پیش از يك و نیم سال باقی نمانده شهادت دور سرمیگردانند که این مدت بگذرد چنانچه درین يك سال نگذارند کاری از پیش تان رود درین مدت هم نخواهند گذارد، همین که دوره دوم شد اگر رکلاء چیزی برخلاف میل مستبدین اظهار داشتند اسباب تبدیل شان فراهم است لازم به بیان نیست که با عدم موجودگی اسباب يك تبدیل برای يك دوره مجلس ما کافی است، چنانچه تاکنون با این همه اقدامات نتوانسته اید تمام و کلا را جمع نمایید، و این نکته خیلی قابل ملاحظه است، پس بر شاست که اساس کار را محکم کنید، و مسائل هم را از پیش به برید، و به جزئیات نه بر آید این اقتداریکه درین دوره بشما داده شده خیلی اهم است برای کار از دست ندهید که پشیمانی آخر سودی ندارد

نخستیناً بچاه روز قبل شاهزاده فرطاً فرما اظهار داشت که اردو بجانب سرحده حرکت کرده، و چنان و چنین اقدام شده، آن اردو بکجا رفت؟ و آن اقدامات به نتیجه بخشید؟ که هر روز تاگراف میرسد قشور عثمان چنین و چنان کرد، آخر تا کی باید ما خودمان را بازی بدهیم، شاه بزرگواران هیچ منتقت هستید چه انقلابی در ایران است؟ و میدانید نتیجه این انقلابات بکجا منجر خواهد شد؟ چرا با تمام قوت و همتی مات جلوگیری از مخالفین نمی نماید؟ چرا بوعده های عرقوبی قناعت میکنید؟ و مهلت میدهید تا کار از کار بگذرد، و تیر از شصت رها گردد، باید هر مطالب را که آغاز کردید انجام داده نتیجه گرفته دست از او بردارید مجلس را از سخنان مترضه باك کنید همه عالم بی انتظامی مجلس را از ریس میگوید نزدیک است ما هم تصدیق تمام

زندان خانه استبداد شکسته نگردید، و تا قدم مبارکت به دارالشورای ملی رسید این اساس مقدس استحکام نه پذیرفت، و خدمات حضرتت را در ایام قابله عضویت پارلمان تمام داناتان بروب مسلم داشته و نطق های بالغ معنی خیزت در غالب جرائد اروپا اشاعت یافته، شده و سایرین از اهل خبره اهمیت اولیه پارلمان ایران که جالب نظر دقت جمیع سیاسیون بود از آن وجود محترم میدانند، و هیچ دایلی بهتر ازین نیست از آن روزیکه حضرتت از عضویت پارلمان استعفا دادید مقاصد مجلس بسمی که باید و شاید پیشرفت نمود

تبریک

جناب سعدالدوله نظر بحسن عقیده و کمال اعتمادی که بجناب عالی در خبر حواری مات و دولت داریم، و درجه لیاقت و کفایت و سیاست و علم و اطلاع حضرتت را نیکو مطلعیم، هم از طرف ملت حضرت مستطاب را تبریک میگویم، و هم از طرف خود مات را باین حسن انتخاب مبارک باد میدهیم، چه اول فدیة طریق مشروطیت حضرت عالی هستید، و تا وقتی که بندگان را بفرمان اسکندر فرستادند قتل

از انخاب حضرت عالی بدین مقام منبع ما میتوانیم تصدیق نمایم ازین و بعد ذات اقدس شاهانه و رجال دولت علیه را هیچ همی جز همراهی به پارلمان و همدستی به ملت و پیش بردن کارهای لازمه نیست

انخاب حضرت عالی را بوزارت جلیله خارجه ولو ذات اقدس شاهانه نموده اند ولی باید چنان دانست که ملت کرده، هنوز ملت حضرتت را یکی از وکلای خود در پارلمان میداند، امروز لقب ذوالریاستین در حق حضرت عالی شایسته است، که هم از جانب ملت و هم از طرف دولت دارای ریاستید، از سیاست و درایت حضرتعالی امیدواریم که ازین و بعد مفهوم خارجی ملت و دولت یک شود، یعنی همینکه ملت گوید دولت شامل باشد، و همین که دولت خوانند با ملت توأم شناسند

با آن اعتماد و اعتقادی که سیاست و فراست و دانش حضرت عالی داریم باز هم برحسب وظیفه خود از تذکره یک نکته ناچاریم

اینک یکصد سال است مراده بلتیک این یک قسم مدتی به گردش است که حضرت عالی بهتر از بنده میدانید، و مضاریکه ازین وضع بلتیک عاید ملت و دولت ما شده تاریخی است و مسلماً تا زمانیکه ما تغییر بلتیک ندهیم ولو دارای صد پارلمان بشویم هیچ فائده حاصل نتوانیم نمود، تمام این خرابیها از خرابی اصول بلتیک ماست

حضرت عالی بهتر میدانید آن فائده هم که بخوبی رجال غافل در اختیار آن وضع بلتیک بود حالا دیگر نیست، و اگر بازم یابند بدان مسلك شویم درقابل زمان محو و نابود خواهیم گردید، امروز این رشته حقیقی حیات بلتیک ملت و دولت در کف با کفایت حضرت عالی است

عقیده بنده این است که هرگاه حضرت عالی باین خدمت بزرگ موفق آمیدید، و این طلسم حیرت بخش را شکستید، زیاده بر یک کرور لشکر و هزار سردار بیملت و دولت خود خدمت فرموده اید

ما خود تصدیق داریم به عدم جمعیت اسباب و اشکال تغییر مسلك یکصد ساله که همه همایگان هم مارا بدان مسلك شناخته اند، ولی چون ملت

بحضرتعالی همراه است و دولت هم موافق هرگاه با آن خرد دور بین و سیاست خدا داده اقدام شود بقین داریم درقابل زمان موفق باین خدمت معتنا خواهند گردید، و این شرف تاریخی را حضرتعالی باین ملت و دولت خواهید بخشید

بنده هر قدر در وزارت خارجه خودمان خرابی ملاحظه میکنم و اصلاح او را در مد نظر می آورم می بینم از خرابی همین مسلك و یا مربوط بدان است مختصراً هزارها خرابی داخله و خارجه ما یعنی بر این اساس است، هرگاه این اصول صحیح شود و بلتیک بوسیده صد ساله ما تغییر پذیرد گویا هزارها خرابی ما اصلاح شده است، اینجا محك تجربه و این موقع خدمت است چون ملت و دولت هر دو با حضرت عالی اند و زمانه نیز مقتضی و اسباب هم نسبت بسابق جمع، بدون شك و شبهه همت و اقدامات عاقلانه حضرت عالی میتواند حلال این مشكل بشود

نگارش یکی از اجله مبصرین

البته وكلا و وزرا ملاحظه فرمایند

امر بالمعروف و نهی عن المنکر

روزنامه مقدسه بومیة جبلالمنین مورخه ۲۶ شهر جمادی الثانیه را دراینمفقه قرائت نمود، چون این خادم وطن جندی در عراق عرب بود، و در اوائل تأسیس مجلس شورای ملی از روی شوق و شغف بوطن عزیز خود مراجعت کردم، و از حال اوضاع آن سامان فی الجمله اطلاع دارم، لهذا غیرت ملی و وطن بادی عرض و اظهار اطلاعات خود گردید،

اولاً اولیاء دولت و امنای ملت بتواریخ مراجعت فرمایند معلوم خواهد شد که این همسایه همدین ماهر وقت که ما را مبتلا ببلای و مشغول به مهمی یافته، مکنونات ضمیر خود را ظهور داده، و بر ما ناخته است، و هیچوقت دیده نشده که در ایام راحت ما اظهار اختلافی کرده باشد، جمیع تعدیات ایشان در ایام ابتلای ما اتفاق افتاده، و این هم از روی حزم ایشان است، زیرا که با وجودیکه مقابله و مقابله ما و ایشان همیشه در ایام ابتلای ما بوده است بموجب تواریخ در جهل و بکمیدان بزرگ محاربه می نمودند غلبه و فتح با

ایرانیان شده و در دو میدان بواسطه اختلال داخلی اودوهای ایران و افراض شخصیه سر کرده‌ها ایشان پیش آمده اند .

پس در اینصورت ایشان بالطبع مجبور اند که در ایام سختی و تنگی ما مقاله و محاربه نمایند ، و غیر از اجور حرکت کردن دور از طریقه حزم و عقل است ، و این مسلك را هرگز از دست نخواهند داد . بقول عثمانیها در اینمقام

(درد خاک آلودشان بخون کند)

(صاف اگر باند ندانم چون کند)

و از برای اثبات اینمطلب استدعا دارم که هرکس را دسترس باشد به کتب تواریخ مراجعت فرماید ، و بداند که محض ادعایست ، پس در این صورت نمیدم امنای ملت و اولیای دولت ما چرا همواره با ایشان طریق صداقت و مسالمت پیوده اند ، بلی صداقت خوب است لکن با صدیق ، و مسالمت خوب است اما با سبام ،

(با کج روشان کج رو با راست روان راست)

(با خاق در این مرحله چون تیر وکان باش)

افراط صداقت حماقت است ، افراط حلم بیخبری ، رطابت آداب در پیش مدعی دلیل عجز شمرده میشود ، در این حال اختلال اندرونی ما دو دولت بزرگ همسایه شمالی و جنوبی از این قرار میباشد مداخلات و تعدیات فوق‌العاده نموده باشند ، و حال آنکه علانیه می‌بینیم که در این یکسال چند فقره ماده مهم قتل و غیره از نبت آنها اتفاق افتاده و از روی محبت و وداد تصفیه پذیرفته ، در حقیقت معامله دول کامل الوداد را با ایران نموده اند ، بعکس همسایه آرخاداش ما بعوض اینکه در این قضیه اختلال با ما موافقت داشته باشد از حدود همسایگی تجاوز نموده و تعدی قاحش مینماید ، و منشأ این خلاف چند امر است

اولا عجب و غرور طیبی ایشان که مسلم طلست باوجود اینکه وضع و حال حالیه ایشان معلوم است میدان یمن از دو سال باینطرف سلاح خانه عساکر عثمانی شده و هر چند سوق عسکر مینمایند یکی زنده برمیگردد ، و از عراق عرب هر قدر عسکر که در این سنوات بسمت یمن و نجد و سکه الحدید حجاز سوق شده تماماً تلف

و معدوم شده اند ،

اختلال دربار اسلامبول در مسئله رشاد اقلدی و برهان‌الدین اقلدی در ولایت عهد کثر از اختلال طابیت ، و عموم سرجبناگان ملت عثمانی در مسئله ولایت عهد و مسئله خزانه سنیه از شخص سلطان امراض دارند و این دو مسئله را از مستبدات شمرده و هرگز قبول نخواهند نمود ، نهایت فرقه آنت که حرکات عثمانیها نازک است و درانتظار وقت و فرصت میباشد و علاوه عموم مات از تعدیات قانون عسکره بستوه آمده اند و با وجود این مقدمات افراد مملکت مرک است از ملل مختلفه که هرماتی از ایشان مملکت را خاص مسئله خود می‌بندارد ، ومع ذلك کله ازاعلی و ادنای این ملت پرسی از امپراطور بزرگ اروپا می‌گوید که دست نشاند حضرت خلافت پناهی است ، و از هرمات متمذنی پرسی می‌گوید در پیش نزاکت و تمدن عثمانی در نهایت وحشیگری است ، دوم سرمنشاه تعدی عثمانیها مساحه ایرانی است ، در حقوق خود و رعایت اتحاد اسلام است ، سیم عدم کفایت مأمورین ایرانی است در خاک عثمانی .

نگارنده اوقات شرفیابی عتبات جناب مشاورالملک را در مجلسی دیدم که به قائم مقام یعنی حاکم بك قصیه میگفت ، و خودش هم که زبان ترکی بلد نبود قاضی را ترجمان قرار داده و گفت که به قائم مقام اقلدی از زبان شده عرض بکن بعد از عذر تقصیرات که تا حال بدیدنش نیامده ام و انشاء الله خواهم آمد فلان میگردد که نایب و فرانسهای که در اینجا داریم نه از برای رسیدگی امور تبعه ماست ، بلکه از برای آست که راه سرای دارالحکومه را دلیل و رحمتی نمایند ، قائم مقام ترکی جواب داد ، حقیر ترجمه اش را برسدیم ، گفتند میگردد تشکر میکنم ، تا همیشه رعیت ایرانی را رعیت خود داس ، و فرقی نگذاشته یم و انشاء الله من بعد هم بدون ملاحظه فرقی رسیدگی بامور خواهد شد ،

چهارم که علت واقعی تجاسر ایشان است قصیه زوا عتبات میباشد ، که حاوی نقصان سرمایه و شایان همسایه و اسباب ذلت ملت و ضعف دولت است علت اتلاف نفوس و هتک ناموس طایفه ایرانی

ایران و آبادی خارجه و با قوه خود مات بر ما می تازند، و ذلایات می سازند اگر این محاذیر در مسافرت حج که تکلیف واجبی اسلام است ملحوظ شود، این امر واجب بحکم شرع فعل حرام میشود. کاسه از آتش گرم تر و دایه مهر بانتر از مادر مستحب مهم تر از واجب مات غافل و دولت ناکامل ابدأ از فکر علاج این مرض مهلك بر نمی آیند، که اقلأ یکسال و دو سال این شد رحال را موقوف دارند تا معلوم شود که مدار عراق عرب از کجاست و گذران ایشان از چه راه، اقلأ فعلاً که یولتیک دولتین طراب است از روی غیرت موقتی موقوف دارند، قوه دشمنان را زیاده و قوه خود را کم و نابود نکنند، اگر دوبرادر با هم قهر باشند اهل و عیال اینها از روی غیرت با همدیگر قطع رابطه می نمایند، و بخانه همدیگر تردد نمی کنند.

نمیدانم ما مات غافل ایرانی چرا این قدر شعور و فهم نداریم که ملاحظه وقت و روزگار کرده اقلأ تا رفع این غائله خود را به تهلكه نیندازند و ناموس دولت را منظور دارند، دولت ایران در این غائله غرض شخصی و دینی که ندارد بلکه مقصود دولت ایست که وطن عزیز ملت به تصرف عثمانیها نرود، منظور دولت ایست که حقوق ملت ضایع نشود منظور دولت ایست که ملت دلیل و خوار نباشد، منظور دولت ایست که هر طور با مسلمان های روسیه و انگریز رفتار می کنند با ما هم همان طور رفتار نمایند، منظور دولت ایست که بر ملت از ایشان تعدی نشود راپورت های تعدیات عثمانیها عموماً بدولت عرضه میشود. و افراد ملت خبر از همه تعدیات ندارند، هر کس تنها از خودش را خبر دارد و بس اولیاء دولت و امناء مات می خواهند چاره درد عموم را نمایند و مات بعد از این با عزت و راحت و امنیت بزیارت عتبات عالیات بروند، بچاره ملت عجزول نافهم و بی شعور در این امر عوض اینکه با دولت همراهی نمایند مخالفت امر میکنند ای ذاکرین و ای جاؤشان باهوش، بیایید و بیدار شوید و از دیوان روز قیامت اندیشه کنید، پیش از این راضی شوید که ملت به تهلكه افتند، با دولت همراهی نمایید تا بعد از دو سال یا سه سال شما با سودگی بزیارت

قبور ائمه خود مشرف شوید، و وبال تلقیبات نفوس و هتك عرض مسلمین را بگردن نگیرید، وطن را بتصرف دشمن ندهید، ملت را خوار و ذلیل سازید، خدا و رسول و ائمه باین امر راضی نیستند

تعدیات مأمورین عثمانی را يك يك نظر بیاورید و حال آنکه شاهها مهمان ایشان هستند و آنچه از قوه تان بر می آید تقدماً و جنساً همراه خود از برای ایشان هدیه می برید، عوض اینکه خوش آمد نمایند و اهلاً و سهلاً بگویند همینکه ملاحظه می کنند که دسته زواری باوضاع مختلفه شکسته و بسته کجاوه و محمل سواره و پیاده زن و مرد صغیر و کبیر زنده و مرده و لحوش و ناخوش غنی و فقیر وارد میشوند مسهزانه می گویند

(این گله مگر شبان ندارد)

و چون بچاره را باختگی راه وارد گمرك نمودند زنده ها را هر کدام که از وضع معلوم بود که اسباب گمرکی ندارند و چند تومانی رشوه داد با اوکاری بیست و هر کس که مشبوه است اموال و ائقال او را بدقت تمام تاز بچادر زهارا تحسس و معاینه می نمایند، و انواع سلاح هر چه یافتند از ایشان عموماً می گیرند و نگاه میدارند که در مراجعت هر کدام به مرد وزنده برگشت باوردهند، آنوقت این گله بی شبان را بی سلاح و بی اسباب دفاع راه می اندازند، بچاره اگر هر ار تیر زن باشد ما يك عرب کون برهنه سلاح دار چه کار میتواند کرد، و قانوناً و رسماً و اصافاً چون سلاح مدافعه آنها را از ایشان گرفتند باید در میان مملکت کفیل جان و مال و عرض ایشان بوده باشند در تضییع حقوق ایشان باید مسئول باشند.

نگارنده سالهای دراز در آن صحاح بودم و هر سالی دو بیست و سیصد نفر مقتول و هزار دو هزار مسلوب و هزاران مهتوك میشدند نشنیدیم که یکی را بحساب آرند و ذوال وجوایی بشود، بخلاف اینکه اگر در سالی یک نفر رعیت روسی را به مظنه ایرانی بودن شلاق از دستش بگیرند فوراً به قونسوخانه روس عرض حال میدهد، یا صد منات کاغذاً سکس و یکساعت طلا و يك کمر طلا و سایر اسباب مقوم به دو بیست منات به قلم داده و یکمفته نمی کشد که قیمت همه را از ولایت تسلیم قونسوخانه

میکنند

(بین تفاوت ره از کجاست تا کجا)

با وجود اینکه مدافعه تمام در گمرک سرحدی میشود در هر منزل باز مأمور گمرک و مأمور رژی مجدد حق معاینه دارد، یا اینکه يك مبلغی باید بدهند، و رذالت بر جسر کاظمین که ما فوق رذالتهاست و همه اینها با حضور مأمورین ایران میشود، و کسی نیست که بگوید چاتم، عزیزم، افسندیم، آخر اموال و ائمال اینها از معاینه گذشته و رسم گمرک اجراء شده و معاینه هر منزل و سر جسر خلاف قانون است، و اگر کسی گفت و جسارت کرد می گویند که ما مأمور و مأموریم بروید از نظارت گمرک برسید،

ای ملت بیچاره، ای گله بی شبان، دولت میخواهد شما را از این زحمت راحت نماید و شمارا مثل رعیت روس و انگریز مقرر دارد (فهل اتم منتمون)

فراموش نشود آنچه قتلهای ناحق و نهب شدن اموال و عتک شدن عرضها از دست ارادل و اوباتی، سرقت اموال در منازل و کاروانسراها، و به ذلت مردن مریمهای زوار در کوچه ها و خانان و تا ظهر دادن جنازه های ایشان بفریب کفنی در معابر و گذرگاهها، و گدائی نمودن غالب کم بضاعتان که مسلوب میشوند، و بدست افتادن زنهای بیصاحب تا رفق دارد فاحشه و چون از رفق افتد خادمه بودن ایشان، سد و بجاه خاه وار فاحشه در محله عباسیه در تحت نظارت فاحشه و فاحشه زاده نبودند صاحبان و برادران و بدران ایشان یا مرده و یا به تنگی افتاده و گذاشته و گریخته و اینان مجبوراً ناموس را داده و نان خریده و زندگانی میکنند، اینها بازاری و جلونی است که ناظر مزبور از ایشان باج میگیرد سری و خلونی بشمار نیاید و غیرتغذای وطن ما تا رسیده اند عیالات را تسلیم خدام می دهند، و خود شنیدم که غیرتغندی در مجلس میگفت که عیال بسفر آوردن حرام است، و من با وجود خدم و حشم که دارم در عرض راه بشخصه از زنها در زحمت بودم، لکن بعد از ورود که تسلیم خدام نمودم راحت شدم و مشغول زیارت شدم، عالم آنها جدا و عالم من جدا است، افسندیمها و مأمورین کارهاییکه میکنند آدم

غیور از نگاه کردن بصورت ایشان خجالت میکند، چندسال قبل يك زوار باعیالش که به اولاغی سوار کرده بود در مراجعت از کربلا در دو فرسخی بغداد در قصر نصرت پاشای ضبطیه تنها دیده و زنش را جوان شناخته جبراً به میان قصر در آورده و شوهر را در يك اطاق حبس نموده و دوازده مرد با زن بی ناموسی کرده و بعد وها زده بودند، بیچاره بینیرانه رأساً به بغداد رفته و به مشاور الملک عرض کرده بود، در جواب گفته بود این قرمساق هم باین اسم میخواهد پول بند شود، برو جهنم شو، پیش از این اگر شرح حال نایم ملت را رسوا کرده ام و خودم هم شرح ایضا، از روزی که روار از فلان ولایت عزیمت نمودند تا مراجعت بخانه پیشخدمتها و نوکرها و مکارها و کاروانسرا دارها و صاحب خانه ها و خدامها و اقدیمها گویا سمت محرمیت میکنند

فاضل تراقی در معراج السعاده میفرماید، بعد از ذکر ادله و اخبار پس رفتن زنهای جوان به مشاهد مقدسه حرامست، زیرا که افلاً استماع صدای نامحرم در این سفر خواهد شد، (یا رحمة الله عليك قم وانظر ابتلاء هذا الزمان)

در سال گذشته در همین کرمانشاهان بواسطه قضیه اطلاع بهرسانیدم بحال قافله زواریه که عبارت از ۱۸ نفر زن بودند در نه محمل و يك مرد ملا بود که مصرفش از آنها داده می شد، و ناظر حالشان بود، با چهار نفر جاریا دار گردن کلمت، پس سرانگشت بدنشان بگزیدم گفتم کاش سلطان عجم این همه را دانستی، این معامله ایشان در حق زنده هاست، و حال جنازه ها هم در خانقین که معلوم است اگر شرح داده شود اسباب رسوائیت، حکایت سیخ بازی و معاینه حکیم یهودی و حاجه در خصوص رطوبت جنازه اگر در وطن خودشان مسالمانی را دست به جنازه والده مرحومه برسد قیامت بریا میشود، لکن در خانقین یهودی با سیخ آهنی ملاحظه رطوبت جنازه میکنند و اگر صاحب جنازه بقول یهودی قانع نباشد در سر سیخ قطعه از اجزاء بدن در آورده پیش دماغ او می گیرد که بو کن و بین، آنگاه می اندازد، احترام جایز در شرع مطهره اسلام از بدیهیات اولیه است،

حق اهل اسلام مأمورند که ذکر اموات را هم بخیر بکنند (اذکرو موتیکم بالخير)

در صورتیکه حمل جناز بعبتات اسباب اینهمه توهین بوده باشد، نمیدانم فتوای حجج الاسلام ایدم الله در این باب چیست؟ و حال آنکه اگر درست ملاحظه شود این عادت رده در زمان معصوم و بعد از آن تا زمانهای قرب متداول نبود و سند معتبری در دست نداریم، نقل جنازه اسمعیل فرزند حضرت صادق علیه السلام از یکفرسخی مدینه بمقابر قریش دلیل جواز عمومی نمیشد، زیرا که بنا بر آنچه شهرت یافته بود در میان عوام بعد از آنکه اعلان امامت او را بعضی از قول حضرت صدق (ع) میگفتند و اسمعیل غماناً در صحرا وفات یافت حضرت امر به نقل جنازه او فرمودند تا عموم مردم ببینند که اسمعیل وفات یافته، و شبهه غیبت وارد اذهان نشود، و امامت را عموم شیعیان خاص حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بدانند،

و استدلال به حمل و نقل حضرت نوح جسد حضرت آدم را در هنگام طوفان به میان سینه و امثال آن موجه اینست که شرایع انبیاء سابق بواسطه شریعت محمدیه منسوخ است و فعلاً ادله ما چهار است، کتاب و سنه و اجماع و عقل. و از هیچکدام از این ادله بر استصحاب این امر نزد بعضی علماء دلیلی نداریم، ولو سلم این توهین که سابقاً نبود و حالا مقرر شده، رفع حکم جواز را میکنند، و حمده سبب این امر عادی در اوائل دخالت بود و حالا غالباً شهرت شده، حق غایب امواتی که وصیته نقل نکرده اند ورثه و وصی او دفن او را عار شمرده و امامت میگذارند، ولو فرضاً که بعنوان دخالت است،

آیا این دخالت صحیح است یا نه؟ اگر کسی بعنوان دخالت لباسهای خود را بجانۀ بزرگی فرستد که ارشربلاها در حمایت او باشد؟ آیا نری بر این دخالت مرتب است؟ و حال آنکه خودش در خانه خود مشغول است، بلی اثر این دخالت اینست که لباسها در امان است، نه صاحب لباس، بلکه معنای دخالت اینست که در روزگار زندگی حرکات و سکناتش طابق النعل بالنعل به تبعیت ایشان باشد، و بعد از وفات روح داخل در حایت و شفاعت ایشان میشود و جسم و جسد با نایع

دخیل شمرده میشود، و فتره دخالت و حمایت معلوم گردد، و ملت ما میخواهند روح را تابع بدن نمایند، و آننگی خبر ملک نقاله در میان شیعه معروف و مشهور است، نکو کار را به ساحت قرب الله نقل میکنند، هر چند که بعد مشرقین فاصله باشد، و بدکردار را از ساحت قرب دور میکنند، هر چند که با هم جفت باشند، (ضرب الله مثلا الذین کفروا امره نوح و امره لوط کانتا تحت عبدين من عبادنا صالحین فخانتا هما فلم یغنیا عنهما من الله شیئا)

(ا منی در یعنی پیش منی)

(بی منی پیش منی در یعنی)

دخیل فعلی بانس، دخالت قولی فایده نه بخشد، کردار بیار، گرد گفتار نگردد، و سایر محاذیر تا روز دفن جنازه در رواق یا در سخن یا در خارج سخن را باید از نظر دقت دور داشت،

باری این کردارهای ناهنجار ملت که دور از طریقه عقل و درایت است عثمانیها را بر ما جسور کرده و آنچه میخواهند در حق ما میکنند، و روز بروز بر نجری خود می افزایند، تا زمان جناب محتج السالطه که بنده در عراق بودم که در بغداد ذلت ایرانی به حدی رسیده بود که ضابط و پولیس یهودی را گرفته بسر می بردند و بخلاف قانون او را در راه کتک کاری میکردند، یهودی توی بازار بغداد که (والله انا ما عجمی انا یهودی) چون ایحرف را گفت دست از آزار او برداشتند، کار ایرانی بجائی رسیده که از فتره قتل راه ساسره که راپورت بولایت داده شده و دفعه دوم مطالبه جواب از ولایت شد، والی به ترجمان گفته بود تطویل کلام لازم نیست، وظیفه ایجابی اینست که به حکومت علیه اخبار بدهد، حق سؤال و جواب دیگر ندارد، مسئله حلیم شد،

کار ایرانی به جائی رسیده که در ویر کوی کربلا ایجابی بولایت نوشته بود که این ویر کو مرسوم نیست تبعه ایران نمیدهد، در جواب از ولایت نوشته بودند که ویر کو باید داده شود، و هر کسی که در منافع ممالک اشتراک دارد باید در بده دیوانی هم شریک و سهم باشد، استدعا دارم این عبارت جواب را مرتبه دوم بخوانید، به پند چه قدر آب بردار است، کفر

ایرانی بجای رسیده که هر گونه امتیازات به هر ملتی داده میشود مگر ایرانی .
 چنانکه جمعی از تجار ایرانی کتایبه شده و یک واپور کوچک شطی از فرنگستان آوردند که در میان بغداد و سامره که از خشکی نا امن است راه انداخته و متردین آسوده باغند ، به چهار هزار لیره عثمانی تمام شده . هر چند امتدعا دادند قبول نشد و بالآن چهار سال است در میان شط بغداد محبوس است ، نه راه پیش دارد و نه راه پس . و نه جاره ممکن است تا کار بجای رسد که عسکر برای سوراندن خرمین سرحد حسینی خانی ابوغداره سوق نمودند . و در کربلای معلی در راه مبارک رضای ایرانیها را هدف گلوله کردند و اراضی لاهیجان را در سرحد کردستان بدون حق تصرف نمودند ، و اطراف ارومیه را محاصره نمودند ، و خدمات را قتل و غارت و زندان را اسیر کردند ، اینها همه از مسامحه و سهل انگاری ایرانیها شد ، اینها را در حقوق تجارت و سیاحتی خود بی قیود چیدند و ماستند که ایرانیها در هر کار تقید ندارند و هر دولتی که از مسامحه خود اینگونه سهل انگاری بیند طبیعی است که دست تعدی بر حقوق ایشان دراز خواهد کرد ، ای اولیاء دولت ، و ای امناء ملت ، ای آقایان حجج اسلام ، پیش از این مسامحه در تعدی ایشان روا ندانید و ملت و دولت را پلایل سازید ملت را بر حقوق خودشان آگاه فرمائید ، چندی راه تردد ملت را بحاکم عثمانی قطع نمائید و استمداد ایشان را در تعدی ایرانیها زیاد نکنید ، هیچ خبر دارید که هر ساله علی الاستمرار چهل کرور تومان ثروت ایرانی به عثمانیها میرسد ، و اگر انبات این دعوی را بخواهید راقم حاضر است که باقرار خودتالیف ثابت کند ، این سالیانه چهل کرور تومان اگر در خودتان مانند و از دخل عثمانی کم نشود مدت بچسال نکشد که شهارا تمام میکنند و ایشان را بر شا مساط خواهد کرد ، چنانکه شده است ، مگر به اعتقاد شما ائمه طاهره نور واحد نیستند و اگر زیارت جامعه را که در مشهد مقدس خوانده شود شامل ائمه بقیع و ائمه عراق نیست ، ائمه بقیع را در عمر یکدفعه حاجیها زیارت میکنند ، و باقی رحمت در واقع از

زیارتشان محرومند ، یا اینکه زیارت جامعه که در هر عتبه مقدسه میخوانند شامل آن حضرات سلام الله علیهم هم هست یا نه ؟ ملت را از این مراتب حالی نباید چرا باید وزارت داخله دفتر زوار بحری و بری نداشته باشد ، نه چه قدر نفوس از سرحد خارج شد و چه قدر مراجعت نمود و باقی اینها کجا رفت و چه شد ، و از ثروت که همراه بردند چه قدر تریه و حرما برگردانند ، و وزیر تجارت و طرق و شوارع چرا در محقق مسئله تجارت راه بغداد حمید کامل نمی نمایند ؟ در عرض - ل اکسد و بچاه هزار بار امتعه فرنگستان و هندوستان از سلو بندر محرمه عبور کرده و وارد بصره و از آنجا بعد از معطلی دو ماه سه ماه بواسطه نبودن و ترسیدن نوبت حمل بابشان حمل واپورهای کوچک شده و داخل گمرک بغداد میشود ، و از آنجا بعد از دادن رسم صدی یک حق مرور بدولت عثمانی حمل کرمانشاهان میشود ، و از بصره تا کرمانشاهان هر باری بیست و پنج تومان کرایه انبار و حق سی و نولوق واپور و رسم گمرک و کرایه حمل و مکاری و غیره داده میشود ، که بچار بهتر میدانند ، در سالی از این هر هفت کرور و بی تومان از کیسه ایرانی در ممالک عثمانی ریخته و پاشیده میشود ، و اگر این یکصد و بچاه هزار بار در بندر محرمه وارد گمرک ایران شود و از محرمه بواسطه واپورهای کوچک از راه ناصریه اهواز وارد شوشتر و دز فول شود ، و تا اینجا ~~که~~ هیچگونه محذوری ندارد و در عرض یکمته وارد دز فول میشود و از دز فول تا کرمانشاهان و خرم آباد شش منزل پیش بیست ، و سه منزل از این شش منزل راه مشترک است ، و از این نقطه تا کرمانشاهان سه روز است و تا خرم آباد هم سه روز است ، این شش منزل را اگر از عشایر و برك و بد و سکوند بر داخته کنند و جمیع بار ها در محرمه بحک ایران داخل شود
 اولاً هفت کرور و نیم پول ایرانی در کیسه خود ایرانی میباشد ، و همین مبلغ از دخل عثمانیها کم میشود ، نایباً طرق و شوارع رفته رفته ، اموال و آباد میشود ،
 ثانیاً عشایر عرض راه روز بروز یا بعالم تمدن میکنند ،

و ابناً بندر محمدره و ناصربه و سایر شهرهای عربستان و لرستان آباد میشود ،
 خامساً زحمت ترانست و کفالت از تجار ایرانی مرفوع میشود ،

سادساً تجارت بواسطه نزدیکی راه مابین فرنگستان و هندوستان و ایران دو مقابل ترقی میکند ،

سابعاً شهرهای بصره و عماره و خاتقین که بدین واسطه معمور اند و بران (و بلدة ایس ط ایس الایمافیر والالیس) میشوند وجه فایده ها که از این رو به دولت ایران در آینده عاید میشود ، این فقره یکی از شعبه های دخول ثروت ایرانی به کیسه عثمانیت و عقیده بنده اینست که اگر این کار بندر محمدره و راه لرستان بر داخته شود تجارت اسلامبول و حمل و نقل طرابزون و راه تجارت آصفحات همه به محمدره متحول میشود ، و از آنجهه هم عاقلان دانند که چه قدر ثروت ایرانی زیاد و دخل عثمانی کمتر خواهد شد ، در صورتیکه ما با هندوستان و فرنگستان همسایه و دیوار یکی هستیم چرا باید بخلاف عادت طبیعی از بی راهه و از خانه همسایه دیگر تردد نمایم و کیسه اجنبی را به هوا و خیال برکنیم ،

این سهل انگاری ها است که خانه ما ویران کرده و همسایه را بر ما جیره مرده است ، و معتقرب است که از این سهل انگاری اولیاء دولت و امانت ملت این بندر و سایر نادر بشکی و رنگ دیگر ریخته خواهد شد ، حالا که دارای این نعمت هستیم کفران میکنیم ، بعد از آنکه سب نعمت شد هزاران شکر به یک پول نمی آرد (علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد)

بندر محمدره و ناصربه و اهواز از بسکه مجهول القدر اند ایرانیها عاباً اسم آنها را شنیده اند ، و بواسطه عدم تردد تجارتی از افواه مردم افتاده و بعضی اینها بصره و بغداد معمور و مشهور شده و اجهالتا و اقله مرفقا و اخط الرجال

کاش مات غافل به حقوق خود عارف بودند که میدانستند که مدار نکت عراق حرب و ثروت ایشان از کجا و از چه راه است ؟ و سبب تجری عثمانی بر ایرانی چیست ؟ دولتی که با حکومت بلقار و قراداغ بجه نتواند بزند با دولت ایران چگونه از راه تعدی

و تجری برمی آید ، دولتی که از طرف پنجاه سال دو ثبات مملکت او را به تعدی از او گرفته اند چگونه دست تعدی بر ایران دراز میکنند (از ماست که بر ماست) دولت مشارالیها ملاحظه تسامح و تکاهل و تساهل

مارا در خصوص تجارت و سیاست و جان و مال و عرض و ناموس و ملت و دولت خود می بیند ، و اسباب استعداد را از ما تحصیل کرده و مستعد تضییع حقوق ما میشود ، در صورتیکه ۳۰ کرور نفوس ایرانی شرعاً و عرفاً و عادتاً بر ذمه گرفته باشند که در هر چند سال یکمرتبه و اقلأ در عمری یکمرتبه بقدر مقدور و بر حسب شأن خود پول تقد برداشته و تقدیم دولت و ملت عثمانی نمایند ، اهل حساب تقریباً میتوانند بگویند که در مدت پنجاه سال که تقریباً یکدوره عمر میگردد و اختلاف قدرت و شأن در مخارج از قری ده تومان الی هزار تومان در یکدوره عمر چه قدر ثروت ایرانی وارد مملکت عثمانی شده محو و نابود میشود ، و همچنین ملاحظه نماید مخارج جزیه ها که یکی از پست تومان چه قدر میشود ، و ملاحظه فرمایند که از بابت نذورات طلا و ققره چه قدر تقدیم میشود ، و تفکر نمایند که از بابت تأسیس خانات و امکانه موقوفه چه قدر پول مصرف می شود ، تصور فرمایند که چه قدر پول از وجه خمس و مال امام (ع) وارد عتبات عالیات میشود ، و چه قدر نایب الزبارة و مشاهره دعا گوئی و مخارج طلاب نادر و جوهرات وارد میشود ، و سایر وجوهات بر و احسان که همه ساله متمکنین ارسال میدارند و مخارج سالیانه متمکنین مجاورین در همه عتبات که از مداخل ملکی از ایران ارسال میشود و در آنجا صرف میکنند ، اگر این روابط چند ساله قطع شود چها که نخواهد شد ،

والله و بالله تا رجال دولت ایران تدبیری از قطع علاقه تجارتی و زیارتی با دولت عثمانی نکنند هرگونه تصدیقات آنها در امر حدود و حقوق نمری نخواهد داد تخلیه وزنه نخواهد شد ، خون بندی شهداء کربلا نخواهد گردید رعیت ایران مارعبیت روس و انگریز در حکم مساوی نخواهد شد ، مأمورین و مترددین محترم نخواهند شد ، حجاج ایرانی با حجاج سایر دول در خاوه و کرایه مساوی نخواهد شد ،

بوشهر

هفته گذشته وعده کردم سواد خطبه که شاگردان و محصلین مدرسه سعادت در یوم ملاقات جناب دریابگی انشاد کرده بودند فرستم، اکنون بوعده وفا کرده فرستادم درج فرمائید، که هوطنان درر و نزدیک پایه و مایه شاگردان را سنجیده چند یکشاهی خیره که برای اعانه این بنای خیر بیدهند آگراه ندانسته باشند

هوای سبزه قدری گرمتر از برج آمده اما سلامت مطیع مظفری هنوز از توقف بیرون نیامده و مهر آقایان علماء عود نموده جناب دریابگی در صدد علاج هستند که آقایان را بقسمی که پیشرفت کند ملاقات بلکه از تقصیر موهومی مدیر بچاره بی گناه آن درگذرند و این ناک زده و مشت عیالش را آورده فرمایند

تمة بویکه در چهار فرسخی کازرون سرقت رفته بود بوشهر رسید، جناب مروش الملک رئیس پست مسبو و افلار رئیس رگات، و جمعی دیگر را حاضر کرده در حضور آنها کیسه های پست مسروقه که بمهر رئیس پست کازرون بود باز کرده چند فقره امانت قبر پستی که همه باره و در هم ریخته بود چند جلد کتاب و یک مشت پاکتهای باره شده در هم ریخته مشهود افتاد، خداوند دفع اشرار و سارقین را فرماید (اللهم اصاح کل فاسد من امور السامعین)

خطابه شاگردان مدرسه مبارکه سعادت

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا

ان هدانا لله

مردم بودیم بوی یار دلتواز آمد بما

باز دیگر جان از تن رفته باز آمد بما

الحمد لله که بپیمان الطاف الهی و مراحم بی پایان

شاهنشاهی دعاهای امیدواران اثری و اشجار منتظران

نعمری حاصل گشت و گلزار آمال از خار خار پیراسته گردید

و خورشید اقبال عموم سکنه این سلطان مجدد آرد

افق اقبال و جلالت بردمید و صبح سعادت از مشرق

شرافت تنفس نمود و ساحت ایالت بنام دو باره بقدم

حیثیت نمودن مری روحانی و بند مضوی عالم خیر و

عادل بی نظیر آقای دریابگی امیرنظامان دام اقباله العالی

ای ملت بچاره بخدا قسم است از بسکه با اینها مراوده زیاد نموده اند، وقرشها بکلی از نظر ایشان افتاده، و شها را بچشم بجانین و سفهای بینند و در نظر طفل بدون ولی و بلا صاحب میدانند، و به هیچ وجه جاره این درد نه میشود مگر به باز نمودن بندر محرم و تأمین راه های بختیاری و درکوند و سلکوند که تجارت ایران از آن راه معمول شود، و به غدغن نمودن زوار عتبات را بطور موقتی و توقیف حمل و نقل جنایز تا روزیکه مساعده جدیدی در باب تأمین جان و مال و عرض مترددین مسادله شود، و در مابین سایر رعایا و رعیت در حکم مساوات شود، و رعیت و مأمورین ایرانی محترم باشد،

و توفیق این مواد و وصول بر این مراتب میسر نشود مگر بدستگیری و اتفاق عموم افراد ملت و اعیان دولت و امنای ملت و حضرات حجج الاسلام عموماً تا در سایه این اتحاد مهاجرین ایرانی که متجاوز از دو مایون به آبادی و عمران بلاد عثمانی جهد دارند و از با بزیب کرفته الی ارضروم و طرابزون و قس اسلامبول و بلاد وسیع اناطولی و اروم ایلی و شامات و عراق عرب و بصره همگی مراجعت باوطان عزیز خود نمایند و در صدد تعمیر وطن و خانه خود باشند، و از شدت و دات ضربت خلاص شوند، یارب دعای خسته دلان مستجاب کن، (کتبه الحق الفقیه ح . س . کرمانشاهی)

حبل المتین

(آنچه عاقل بند اندر خشت خام)

(می نیند جاهل اندر آینه)

سه سال است حبل المتین درین موضوع بکتابه و تصریح بحث نموده و مقصود ما از آن عناوین این بود که چنین روزی مات و دوات را پیش نیاید عنوان (نوت ایران بکجا میرود) هر کس ملاحظه کرده میداند غرض ما چه بوده و بی حیائی و بی شرمی ملا لطف الله روضه خوان در منابر طهران در خصوص این عنوان بر احدی پوشیده نیست امیدواریم ازین و بعد مات و دولت بهوش آمده از صدمات عثمانیها سبق حاصل نمایند

بهارستان ورشک گلستان گردانید

ابن ورود مسعود و عود محمود که مقدمه صلاح و عله اصلاح و موجب رواج و آسایش عموم اهالی است با هزاران هزار فرح و انبساط تبریک و تهنیت گفته و صمیمانه از پیشگاه خداوند متعال حل و علی سائل و آمین، که سالیان دراز ما متعالمین و اخلاف آینده که بلسان استمداد ثناگو و دعا خوانم در ظل لولا و سایه رأفت ابن حکمران عادل باعلی مراتب کمال و تربیت و ترقی ارتقا یابیم و امیدواریم که مصابح عالمانه مشفقانه و اندرزه های حکیمانه و راهنمایی های پدرا نه بزرگان ما را نیز از خواب غفلت و جهل و تقارت و تقاصت بیدار و از لذائذ حریت و مساوات و اخوت برخوردار فرماید، و در تشیید مبسالی و انعقاد مجلس محلی و تعیین وکلاء غیرتمند عالم بیغرض که باعث اقتدار و سر فراز اهالی این ایالت است مساعی حبیله و اقدامات سریمه مبذول دارند، تا آنکه در سایه ها و ایات ابواب رحمت و سعادت گشاده گشته عظم رمیم و حمل قدیم اهالی را برارانی آزادی و برابری و برادری که بهترین نهای آلمی است زنده و زودوده گردد، کنون بشکراة این نعمت عظمی و ورود مسعود حضرت اجل و بقین بر تعیین وکلاء و انعقاد انجمن ایالتی عرض میکنیم

بارها تا جام زرین خورشید در بزم سرمستان خمخسانه آفرینش در گردش و باده خوشگوار حریت و مساوات مسرت بخش وکلاء ما دانش مجلس کبری است ساغر حصول آمانی و آمان و اباغ متمنیات پادشاه ججاء اسلامیان یناه الساطان الاعظم محمد علی شاه خلدالله ملکه در ترقی ملت و دولت و مملکت لبریز نشه شوکت و شادمانی فرما - خدایا رحیم فرما فرمای غیور دانش یزوه رعیت پرور ما را بسلامت و شادمانی نگاه دار! و وجود فرد فرد وکلاء مات و اعضاء دارالشورای کبری، خاصه علماء اعلام و مجتهدین فحام و سایر وکلاء انجمن ایالات ایران از دست برد مخالفین مصون و آندوات مقدسه را بتوفیقات غیبیه موفق و مأمون بدار، بحمد و الله الاطهار

زنده باد ایران شاهنشاه ایران زنده باد

سایه دریا یکی بر مغرب ما گسترده باد

این هابون مجلس شورای ملی جاودان
بر سر اربابان فرخ بی و پاینده باد
مکتوب از اسلامبول

کمان نمیکم در این روزها کسی پیدا شود از این برنس صالح که بمدوح بعضی از ارباب جرائد است. بیک روز نامه و یا بدوستان خود شرح کردار او را نوشته باشد، این بنده هم که خود را در صف وطن دوستان محشور میدانم الحاح که - عت هفت شب است خیالات اول شب مرا از خواب بلند نموده و خواب شیرین را بر من حرام کرده، بلی آنچه در روز دیدم نمیدانم به بیداریست یا بخواب، چون روز نامه مقدس آئینه هر زشت و زیباست بدانجهت بعرض گذارش جسارت نمودم که مرحمت فرموده در ضمن نامه مقدسه درج فرمائید، بلکه این عرایض صادقانه و بیغرضانه حقیر را اولیای دولت و وکلای ملت بحضور مبارک اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه عادل برسانند و بر حسب امر قدر قدر هابونی بعد از تحقیق شدن که راست است ملت را که اولاد پادشاه ودیعه خدایست از این بلیه آزاد فرمائید.

یازدهم ربیع الاول در سفارت کبریا مجلس قوسمرت بود یعنی مجلس ساز و نواز و عیش و نوش، هر چند بلیت دخیلویه بیک ایامه قیمت داشت و به بنده هم داده بودند، ولی چون میل رفتن نداشتم بلیت را داده بودم به آدم خود، نزدیک وقت یکی از دوستان آمد و اصرار نمود و گفت خالی از ما شایست باید رفت، بزور مرامم برد، حق اینست بر تمام ایرانیان واجب است که بیانی این سفارت که مرحوم مفتور حاجی میرزا محمد حسین خان سپه سالار باشد از ته قلب رحمت بخوانند، بلی اینگونه باغیران شرف را از رای دولت و مات دعوت میکنند، بر خلاف باید بخلاف آمرحوم که ارفع الدوله باشد ملامت کنند که آبروی دولت و مات را برباد داد، و این بارگاه عالی را مسخره خاه کرد

ای کاش بایم شکسته بود و زرقه بودم و یا زبان یونانی و ارمنی را تفهیمید می تا انشب خواب بر من حرام نمی شدی حال که خواب بر من حرام شده در این نیمه شب آنچه در روز دیده و شنیده ام بقیلم می آورم و شمارا بدون کم و زیاد بر درد های ملت

خبردار مینایم، از چگونگی این مجلس عرض شود، هر سالی يك چنین مجلسی در سفارت جهة مخارج مکتب ابرایشها داده میشد، ولی از قرار گفته مردم امسال چون پادشاه عادلئ مانند مظفرالدین شاه رحلت فرموده و از طرف دولت هم رسماً خبر داده بودند که تا ششماه ماتم نگاه داشته خواهد شد مجلسی کرده بودند که چه باید کرد از برای مخارج مکتب؛ نهار گفته بودند در ایام ماتم چنین پادشاه که باید مات هر سال روز وفات او عزاداری کند نباید مجلس عیش برپا کرد، و بسازو نواز و عیش و عشرت آغاز نمود، مطرب و سازنده در خانه دولت آورد، اگر چنین کاری بکنیم همه با شهادت میکنند و کفران نعمت ولی نعمت زاده خود را کرده خواهیم بود، دخل هر ساله که ازین عمر جمع میشد از خود مات جمع میکنیم، چون که مات جهة طرب پول میدادند و از برای مخارج مکتب میدادند نهایت امسال صدلیرا کمتر جمع خواهد شد، از سالهای دیگر و ملت بدنام نمی شود برس اینحرف بسمع اعتبار نگرفت و گفته بود من طهران میدویم که اذن حاصل شود، از نوشتن و نوشتن و ادب حاصل نمودن و نمودن خبرندارم، اگر اذن هم داده باشد و جدان هیچ شاه برست مسلم راضی نمیشود که پادشاه جوان بخت در ماتم و هیچ سفیر اجنبی بجهة آنکه او را ماتم دار میداند هیچ مجلس جشن او را نخوانند، و در سفارت مردم را بمجلس عیش بخواند، و آنگهی در چنین ولایت آهم بعد از آنجور عزاداری،

خلاصه اول عرض کنم رفتم همه حارا کشتم، هر قدر ارفع الدوله حقوق دولت و مات و شرف سلطنت مارا بایمال کرده هماغدر بر زیت و تجملات داخله سفارت افزوده که در نزد خارجه مایه افتخار ملت است آتفه خانه، جواهرات، فرش های بر قیمت، مویل، تابلوهای گران قیمت، لوحه های خطاطان مشهور از میر عماد و غیره، در دیوار هادیگر جای خالی يك و جب نیست، از قراریکه از آدمهای سفارت شنیده ام اسباب مز طعام او از چنگان و کارد و قاشوق تمام شاهانه است، و این اثاث الیبت را صد هزار لیره بیشتر بخرین میکنند، اگر چه از خون دل ملت و

یا . . . حاصل کرده باز مایه افتخار است، خلاصه از مطلب گذار شویم، غرض از این مجلس را عرض کنم چه بوده است؟ این آقا يك سال است در تدارك مجسمه سازی خود مشغول است، با چه سعید ها در روزنامه های فرنگ اعلان و نشر کرد گویا مجلس صاحب لاهی میخواهد مجسمه آنرا بسازد، هر قسم بود که اینحرف را بخورد ایرانیان داد، و فرنگیها هم چنان وا نمود کرد که گویا ابرایشها بمذات سعاری و اشعار طول عمر که گفته میخواهند باو نگذارند، چنانچه یارسال يك کاغذ بخوا فرنگی داد بدست دو نفر بر های ایمان فروش، دور منزل های مردم گردیده با کمال رذالت يك لیره نیم لیره پول جمع کردند، و بتوسول های اطراف هم نوشت، بشهر هزار لیره کمتر یا زیادتر جمع کرده بعد بر همه معلوم شد که مجلس قوتقراس لاهی از ابتکار هیچ خبر نداشته، قالب مجسمه خود را در اینجا درست کرد، فرستاد فرنگستان با جودن ریخته آوردند، این اکتفا نکرد نوشته میدادم بشیراز یا اصفهان يك چار چوبه خانم جهة عکس خودش به بلندی سه ذرع آورده اند، عکس بزرگ خود را در بالا گذاشته و تمام مثنوی صاحب معلومه خود را با بیت دانش و هر آنچه در علیه وله دیده و شنیده با خط حلی خوش و با تچه فراسوی نوشته اند، و در بالا دو ملك رب النوع کشیده اند، یکی دست خود را بطرف شرق و دیگری بطرف غرب دراز کرده، گویا کتابه است بدنیسا که میگویند که جنگ نکنید یعنی روس و ژاپون، از قراریکه گفتند هشت نفر استاد کامل خطاط و نقاش و مذهب خط فراسوی یکماه در سر این عکس برس زحمت کشیدند، و اقللاً هر یکی روزانه سه چهار تومان گرفته اند، این رسم بقدر صد صد و پنجاه لیره تمام شده، و مقصود حقیقی از این مجلس که مایه سک بود اشان دادن همین صورت و همان مجسم بوده است، تمام ارمذنها و ارومیدها بیکدیگر میگفتند که مجسمه را بعد از مرگ باید بسازند این چه دیوانه گیسب، می شنیدم و می فهمیدم و از خجالت آب می شدم، غیر از این صحبتی در میان آنها نبود، خلاصه آفریننده رب النوع صاحب عمومی میباشد دو روز پیش چه ولوله در میان ایرانیان انداخت، چهار روز تمام خان والده که ماوای معتبرین اهالی ابرانست

پارسال در کنفرانس (ژنو) مأموراً از طرف دولت خود اظهار کرده ام اشکالاتی که از برای ماها در استعمال صاب احر فراهم میآید نه از بابت ملاحظات مذهبی صاحبانست، بلکه بابت ملاحظات تاریخی استعمال آنرا مشکل کرده، و چون اصل مقصود همه ماها در این مجلس و در این مشاغل فقط مزید امنیت مریضخانه ها در موقع جنگ است، لهذا طوریکه جناب سفیر آلمان اظهار داشتند لازم است همان ترتیبیکه در مسئله استعمال شبر و خورشید احر عوض صاب احر با رأی دولت ایران مساعد شده است از برای دولت عثمانی هم استعمال هلال سرخ تصدیق شود

نماینده سوئیس در این مجلس کلیتاً خیلی ایستادگی کرد و گفت که در این باب از دولت متبوعه خود تحصیل دستورالعمل کرده و ایرادات خواهد کرد، ولی در هر صورت این اظهاراتی که از طرف مأمور عثمانی و ایران شد فقط باید راجع بجنگ بحری باشد که در این کنفرانس مذاکره میشود نه در مسائل راجع بجنگ بری که مخصوص قرارنامه کنفرانس (ژنو) است، باین اظهار مشرالیه مأمور عثمانی جوابی نداشت که بدهد، ولی جناب ممتاز السلطنه جواب داد که قرارنامه ژنو را هم با همین شرط امضا کرده است همه این مراتب در صورت مجلس دوم ماه (ژوئیه) کیسیون سیم کنفرانس مشروحاً نوشته است

بعد از این گفتگوها چون مأمور سوئیس خیلی به تشوش افتاد و از طرف دیگر مأمورین سایر دول را با ممتاز السلطنه مساعد دید لابد نماینده دوم سوئیس را که مسیو (پورل) است از لاهی بژنو فرستاد که مراتب را شهادت بدولت سوئیس گفته و دستورالعمل بیاورد، ولی چون دولت سوئیس هم عرصه را برخورد تنگ دید مأمور خود جواب صالح آمیز داد، و جناب مسیو (کارین) نماینده اول سوئیس بدست و با افتاده از ممتاز السلطنه وقت ملاقات خواست، و ضمناً گفت که اولاً شما ~~که~~ شبر و خورشید احر را میجوئید عوض صاب احر استعمال بکنید اقللاً لازم است که در ضمن خواهش تصدیق این مسئله که از دول معظمه خواستگار شده اید قبولی صلیب احر را هم از برای دول خارج اظهار نمایند

نایباً مأموریت من خلاصاً موافق دستورالعمل جدیدی که رسیده منحصر بر این شده است که فقط در موقع تجدید مذاکره شما بکنفرانس بگویم، که در هر صورت این کنفرانس نباید بر اصول کنفرانس (ژنو) دست بزند، و این اظهار من از برای دولت عثمانی است که در کنفرانس ژنو شرکت نه کرده است، و حالاً نباید بگذاریم که به بنای قرارنامه ژنو دست بزنند، ولی چون شما قرارنامه ژنو را همین شرط پارسال امضا کرده اید لهذا شما هم بعد از اظهار من میتوانید باز اظهار بکنید که دولت ایران که در این کنفرانس از برای مریضخانه های بحری تصدیق شبر و خورشید احر را می خواهد و از برای مریض خانهای بری هم همین شرط را در موقع خود در ژنو کرده است، من هم معلوم است حق ایراد بشما ندارم

این است که موافق صورت مجلس شانزدهم ژوئیه کیسیون سیم باز همین مذاکرات مجدداً شد، و نماینده اول ایران در ضمن بطق اظهار کرد که (چون تجدید مطلب شد می خواهم قصوری را اصلاح نمایم و محض اینکه خواهش همقطاران سوئیس خودم را قبول کرده باشم می گویم، که دولت ایران بعد از شرطی که در امضای قرارنامه (ژنو) کرده است بموجب آن خود را بکلی در استعمال شبر و خورشید احر در مریض خانهای بری و بحری بیگناهی خود مختار میداند، لهذا استعمال صاب احر را هم بطور معامله بمنظری از برای مریض خانهای دول خارج قبول می کند و همین شرط است که فصول قرارنامه جدید را مأمور دولت ایران قبول و رد خواهد کرد

آنچه محل توجه و اهمیت دارد این است که در صفحه ششم و هفتم صورت مجلس مشروحاً بفراسه نوشته شده و اجمال آن این است، که رئیس آن مجلس (کونت پورنیلی) سفیر کبیر ایتالیا تفصیل مذاکرات را نوشته و اشاره بر اظهار ممتاز السلطنه راجع بشرطی که در کنفرانس ژنو کرده نموده و در آخر این طور می گوید: این فتره هم عیناً و ملتفت میکنم که مسئله قبل از اعلام مخصوص را که بطریق معامله بمنظری از طرف مأمور ایران برای مریض خانه های بحری خودشان خواسته شد، مأمورین آلمان و ایتالیا و روس تصدیق

کردند و هیچ کس در مجلس ایرادی بر آن نه نمود البته خوانندگان محترم ملاحظه میفرمایند نماینده اول ایران فقط از برای مریض خانهای بجزی در این مجلس حرف زده دولت عثمانی را هم شریک خواست دولت ایران کرد، بجهت اینکه از برای مریض خانهای بری دولت عثمانی حق استعمال هلال سرخ را ندارد این کنفرانس هم در آن باب حرف نمی زدند، ممتازالسلطنه این مسئله را در ژنو انجام داده است تفصیل این مذاکرات در صورت مجالس کمیسیون های کنفرانس مشروحاً نوشته شده است

این دو مجلس مذاکرات در کمیسیون شده بود و راپورت کمیسیون می بایست بمجلس عمومی کنفرانس در حالتی که تمام مأمورین حاضرند آمده مطرح مذاکره شده و به تصدیق کنفرانس برسد، بیستم ژوئیه مجلس در کنفرانس برای فیصله این امر، یعنی مسئله استعمال قواعد کنفرانس ژنو در جنگ بری بریاست سفیر کبیر روس مشکل شد، قبل از تشکیل این مجلس نماینده ایران با مأمورین اول انگلیس و آمریکا و اطریش مکرراً ملاقات کرده و وعده گرفته بود که آنها هم در موقع مذاکرات بعد از نطق ممتازالسلطنه اظهارات ایشان را تصدیق و همراهی دول خودشان را در این باب اظهار نمایند

در این مجلس اظهار نماینده اول ایران از این قرار شد، (چون دولت امپراطوری ایران قرارنامه سال ۱۹۰۶ مسیحی ژنو را با شرط راجع بر استعمال شیر و خورشید احمر امضا کرده است لهذا سفارت ایران فصول قرارنامه جدید را هم راجع مریض خانهای بجزی بهمان شرط قبول خواهد کرد، و من امضای قرار نامه جدید را بهمان شرایط و ترتیبی که تفصیل آن را در کمیسیون سوم کنفرانس اظهار کرده ام امضا خواهم نمود، یعنی باین شرط که علامت شیر و خورشید امپراطور مقله نمایی که بالای مریض خانهای دولت ایران نصب میشود باید محترم و مقدس باشد) بعد از آنکه رئیس مجلس حکم بر ثبت اظهارات ممتازالسلطنه در صورت مجلس نمود مسیو (سات اود) نماینده انگلیس فوراً پشت سر نماینده ایران با شده و این طور گفت :- که در مجلس شانزدهم ژوئیه

کمیسیون سوم که بریاست نماینده اول ایتالیا بود رئیس مجلس ما را متوجه کرد بر اینکه مسئله تصدیق بیری مخصوص که از طرف مأمور ایران از برای مریض خانهای بجزی دولت خود خواسته شده است از طرف مأمورین کنفرانس قبول شد، سفارت انگلیس هم با کمال میل باین اظهار معزی الیه همراهی و شرکت میکنند

بعد از مأمور انگلیس بطوریکه از صورت مجلس معلوم است سفرای آمریکا و اطریش هم پا شده بعد از نطق نماینده اول ایران همین اظهار را کردند

چون یک روز قبل از آن نماینده ایران مأمور عثمانی گفته بود که مأمورین انگلیس و آمریکا و اطریش هم بنا بخواست من در مجلس عمومی در همراهی ما اظهار رأی خواهند کرد، معری الیه خیلی از این فقره متوحش شده بود، بجهت اینکه می ترسید که اظهار میل آنها اسباب ایراد سایرین بشود، ولی ممتازالسلطنه طوری مطلب را بر داشت کرده بود که از نتیجه کار اطمینان داشت و بمحمدالله همین طور هم شد، و نماینده عثمانی بعد از این مجلس مکرر از ممتازالسلطنه اظهار امتنان نمود، چون از برکت شرط پارسال که در کنفرانس ژنو شده این کارها در این کنفرانس باین خوبی از پیشرفت و تقول پروفیسر (ژنو) ی فرانسوی که از اشخاص اول این کنفرانس است، نماینده اول ایران پارسال بلی درست کرد و امسال در این کنفرانس از آن بلی گذشت، و مأمورین عثمانی را هم با خود گذرایند ولی تفاوت میان دولت عالی ایران و عثمانی حالا این است که در حق عثمانی فقط در جنگ بجزی هلال احمر را قبول کردند که در کنفرانس اول قبول نشده بود ولی از برای دولت ایران در مریض خانهای بری و بجزی عموماً این مسئله انجام پذیرفت

بعد از گذشتن عمل استعمال شیر و خورشید احمر از برای مریض خانهای بجزی ممتازالسلطنه مجدداً بکنفرانس خاطر نشان کرده و گفت که (در باب مریض خانهای بری هم دولت متبوعه من شرط لازم را در کنفرانس ژنو در سال هزار و صد و شصت و هجدهم (۱۹۰۶) است) و فوراً بعد از این اظهار نماینده اول ایران در صورت مجلس این طور نوشتند (با این شرایط عذیده فصل پنجم قرارنامه جدید که راجع به لایم پرفه های

حبل المتین

با کمال ادب بحضور مبارک آیات الله فی الانام حجج الاسلام پس از اظهار عبودیت عرض می نمایم که خیرخواهی حبل المتین درباره اسلام و مسلمین بر آن بزرگوار پوشیده نیست، و اطلاعات نامه این اداره اسلامی بز بر آن حضرات مولی مستور نمی باشد، لذا ناچاریم که در خیر ملت و دولت اسلام عقاید خالصانه خود مان را تقدیم آستان مبارک نمایم تا آنجا که ما مطالب ذات اقدس شاهانه هیچگونه مخالفی با مجلس مقدس شورای اسلامی و سلطنت مشروطه ندارند بلکه همه گونه حمایت داشته و دارند چیزی که هست کاملاً از وظائف و حدود سلطان سلطنت مشروطه واقف نمی باشند، درباریان سر تا پا غرض بر آن ذات اقدس برخی القاء شبهات می نمایند، جمیع انقلابات داخلی و اغتشاشات سرحدی ناشی از القاء شبهات برخی از مقرین حول آستان سلطنت میباشد، بر حسب مقتضیات زمان و اقتضای سیاست اندکی صبر و تحمل حجج اسلامیه در پیشرفت مقاصد مشروعه لازم است، کارها اگر به تدبیر و اصلاح پیش رود اولی و انب است، علاوه کار نکرده را همواره میتوان نمود، ولی تیر از شصت رها شده باز نگردد

بدوا باید مجلس مقدس را امر فرمائید که وسایط را بین خود و شاه مرتفع دارند، و تعیین حدود جمیع طبقات از شاه و رعیت را مطابق قوانین شرع مقدس که این اصول مشروطیت است معین نمایند، بعد از تعیین حدود هرگاه مانی در پیشرفت کار ظاهر شد دفع آن بر شا بزرگواران آسان است، قبل از صدور بعضی احکام از آن ناحیه مقدسه انعام حجه هم لازم است اگر چه صدور احکام لازمه بطریق عموم فرموده اند، ولی در صدور احکام شخصیه انعام حجت شخصی اثرات دیگر می بخشد، چه ما غفلات زرگان را عقیده این است که سرک حق است ولی بری همسایه، ابد از سرک دیگران عبرت نمیگیریم

آن حضرات مولی راست که اعضای محترم مجلس مقدس را نیز هدایت فرمایند که در این موقع مهم از

مریضه ها است از طرف کنفرانس قبول شد و اینستکه دیگر بکلی خانه پذیرفت و امداد مطرح مذاکره نخواهد شد

مکتوب از نجف اشرف

جناب، مفهوم می شود حجج اسلامیه و آیات الله را بحقیقت و یا بالقاء شبهات از ذات اقدس شاهانه بد کن نموده اند، یعنی ذات اقدس شاهنشاهی را مانع از اجرای مقاصد مشروعه شورای اسلامی جلوه داده اند، خواص موقین طلاب خلیلی برین آمده، چرا که حجج اسلامیه را خلیلی بر آشفته و متقاب می بینند، چند مجلس بی دردی برای مشوره بین آیات الله منعقد گردیده، خوف آن میرود که حکمی مدعش ازین ناحیه مقدسه صادر شود که تالیس تا امروز صادر نشده است، گویا برای اجرای حکم غیر معلوم تدارکات لازمه را نموده دو کار مخبرات ضروری هم هستند، معلوم نیست که عاقبت این مات و دوات فلک زده بکجا منجر خواهد گردید، حجج اسلامیه منهای همراهی و کمال ایستادگی را در پیشرفت مجلس مقدس دارند، و بحشم بصیرت ایران را خلیلی منززل مشاهده میکنند خداوند بر این بك مشت رعایای فقیر ترحم نماید

از قرار معلوم حضرات آیات الله در خصوص قدغن زوار در آمدن بعراق عرب نیز مخبره نموده یا خواهد فرمود

مخالفین مشروطیت درین ناحیه مقدسه یکدفعه مخدول و منکوب گردیده، حواشی جناب مستطاب آقا سید کاظم طباطبائی را قدرت دم زدن نیست، جماعتی از با شعوران یا بیفرضان مخالفین مشروطیت از اعتقادات خردا دم شده اراده دارند بحضور مبارک حجج اسلامیه برای توبه و انابه حاضر شوند

شندم جناب مستطاب آقای آقا سید محمد کاظم طباطبائی هم از حضرت آیه الله آقای حاجی وقت ملاقات در خوت خواسته، که دفع القاء شبهات پندیه را فرمایند، بعضی کان میکنند که شخص سید ابداء مخالفی با مجلس و سلطنت مشروطه نداشته این انقلابات و اختلافات ناشی از حواشی و اطرافیهای مفروض بوده است متذکرین خسر دنیا و الآخره شده، به پیش سید راهی دارند نه خدمت سایر حجج اسلامیه، ذالک خسران المین

مناقشات شخصی صرف نظر نموده، مباحث الفاظ را ترک کرده امور مهمه واجبه بنوع را تمام نمایند، و ملاحظه بالاهم قلام را هم از نظر دور نذارند، قبل از هر امر قانون اساسی را تمام کرده از صحت هماهنگی بگذرانند و اقلا قوانین داخله مجلس خود را جاری نمایند که کار بتواند پیشرفت نمود

نقل از شماره ۷۹ یومیه جبل المتین

(مساعدت و تشکر)

روز پنجشنبه ۱۴ جمادی الثانیه روزنامه یومیه جبل المتین در عقده توقیف اذاد، بعضی انتشار این خبر عموم همعصران محترم و همفکران معظم این اداره محقره را سرافراز نموده شریک غم و رفیق دردگشته از راه نوع برستی و همکاری جرأت شریفه خود را تعطیل بکنند کابنه ادارات خود را بسته، حتی روزنامه غراه مجلس که هیچکس چنین توقیفی از آن اداره محترمه نداشت نیز تعطیل فرموده و ما را سر نایا قرین خلعت و تشکر نمودند و قسم یاد کردند که تا رفع توقیف نشود شروع بکار نخواهیم کرد -

روز دیگر عموم مطابع از حروف چین و مصحح و مدیر و غیره عموماً دست از کار کشیده کمال غیرتندگی را اظهار فرمودند، کتابخانه نیز همراهی نموده شریک شدند، متصل ارباب غیرت و انتخاب حجت که پشت و بنام این جریده محقره هستند شخصاً و بتوسط مراسلات اظهار همراهی فرموده عموم انجمنهای محترم چه بتوسط نمایندگان خود و چه بتوسط مکاتب الطاف و محبتهای خود را ظاهر میساختند، مخصوصاً انجمن برادران دروازه قزوین و انجمن برادران مرکزی و انجمن اتحادیه طلاب ذوالاحترام و انجمن قاطمیه کاشان و غیره و غیره . . . به علاوه عموم افراد ملت نجیب ایران نظر بحسن ظن و لطف مخصوصی که نسبت باین اداره اسلامی دارند کمال مساعدت فرموده همگی اظهار کردند که با تمام همتی و جان و مال حاضریم، آقای آقا سید جمال الدین و آقای ملک المتکلمین پیش از آنچه تصور شود اظهار بزرگی کرده از هیچ قسم ملامت دریغ فرمودند، بمرکز لازم مذاکرات شد، حتی لوابح نیز بمجلس مقدس شورای ملی عرض

کرده و مستدعی روح غایبه شدند، ارباب مدارس و مکاتب فوق الوصف حاضر هرگونه اقدام گشتند، لکن همه را بعجز و لایه واستدعاه آرام نموده مسلک آدامیرا از دست ندادیم، تا بحمدالله روز دوشنبه ۱۸ جمادی الثانیه توقیف مرفوع شد و جوش مات غیور تسکین یافت، اینک اداره متحیر است که آیا از این حسن ظن مات و توجه غوس بطرف خود افتخار و مباهات نماید، یا از صمیم قلب عرض تشکر و امتنان خود را حضور مات تقدیم دارد، و از همکاران معزز امتنان خود را طاهر سازد و از این اتحاد خدارا شکر گوید، آری اینست حقیقت قدر دانی، ایست معنی اسالیب و بزرگواری، خداوند مات را از هرگزند محفوظ بدارد و بدرجات رفیعه نایل سازد

جبل المتین

۱- ارادته شبلی هشی اسباب، چون مثبت ازدی به ترقی این ملت نجیب قدیم قوم تعاق گرفته، قلب مامیت جمیع طبقاتش را فرموده، و اتحاد که بزرگترین سرمایه ترقی شناخته می شود در جمیع افراد نمایان است فحمدالله ثم حمدالله، این غیرت و اتحادیکه ارباب معارف را سرمشق گردیده و ارباب جرأت و مطابع ابراز داده اند ترقی معارف ما را بشاریست فوق بشارتها، امیدواریم که ارباب جرأت و مطابع یعنی اعضای معارف ملیه برای ترقی اتحاد و تکمیل نواقص و پیشرفت مقاصد مشروعه خود انجمنی باسم انجمن ارباب معارف منعقد و بنده را نیز بمضویت قبول فرمایند هر قدر مصارف بر این انجمن تعاق گیرد شرفاً و افتخاراً ما برده خود قبول می نمایم (گر قبول اقتدری هنر و شرف)

خدای را بشهادت می طلبیم که پیشتر مسرت قلبی ما از اتحاد و اتفاق این سلسله حایله است که امروزه سرچشمه سعادت و هدایت ملت میباشد نه فقط برای همراهی به یومیه جبل المتین

امیدواریم اتحاد و اتفاق و برادری ارباب معارف و جرأت ارباب همه روزه زیاد گردیده این اساس هدایت روز افزون در مات ایرانیه ترقی نماید

نمیدانم با چه زبان و بیان در این موقع تشکر از سررستان معارف و هم قلمدان محترم و از قدردانی

اجزای مطایع و قدر افزائی اعضای انجمنهای مایه که پشت و پناه این ملت نجیبه اند، به نایب چون زبان از تشکر عاجز و بیان از اظهار امتنان قاصر است بهتر اینکه بدعا برداخته سلامتی آن جوهر های مدنیت و مجسمه های غیرت و اسانیت را از درگاه خداوندی خواستگار شده توفیق خدمات مایه را پیش از پیش در حق خود و ایشان خواستگار شوم

نقل از روزنامه شریف عراق عجم

(قابل توجه)

خیال دولت ژاپون بیست و هفت سال است که معاهده درمیان دولتین باشد در تاریخ ۱۸۸۰ مسیحی که (۲۶) سال قبل باشد هیئت سفارتی از طرف دولت ژاپون به ایران فرستاده شد از طریق بندر بوشهر و در شیراز چهل و پنج روز توقف نمودند و از طرف دولت ایران چندانی اعتنائی نشد و حق هم داشتند زیرا بازار حقوق بخشی و وطن فروشی درمیان اولیای دولت گرم و رواج بود، و همچنین جزئیات اعتنائی نداشتند، اولین فتوحات بلاد شرق خراسان و تعیین سرحدات وزراء را مشغول کرده، و طلای مسکوک همسایه چشمها شانرا خیره نموده بود

بعد از چهل و پنج روز اقامت هیئت نمایندگان ژاپون از شیراز حرکت نموده وارد طهران و در عمارت ایلخانی آنها را جای دادند، در ۲۶ شوال میرزا عبدالله خان مستشار وزارت خارجه با اشریفات در تالار شمس العماره بحضور هایونی برده عرض نمود، که مأمور مخصوص اعلیحضرت امپراطور ژاپون برای درک شرف حضور مکارم ظهور اعلیحضرت هایونی مشرف میشود، پس از بذل تفقدات شاهانه سفیر ژاپون خطابه ذیل را بعرض حضور هایونی رسانید

خطابه سفیر ژاپون

بحضور اقدس اعلیحضرت هایون شاهنشاه ممالک ایران معروض میدارد که بواسطه انتخاب این مأموریت کمال افتخار را حاصل نموده و از جانب اعلیحضرت امپراطور ژاپون مأمور شدهام که میل صادقاته و منهای آرزوی ولینعمت جلیل خود را بجهت صحت و خوشوقتی اعلیحضرت هایون تقدیم نمایم، و من بجهت اعلیحضرت امپراطور ژاپون و دولت ایشان و کلبه

ملت ژاپون افتخار مخصوص میدانم، که اعلیحضرت اقدس هایون مرا مفتخر و امروز بحضور مبارک خود شان مشرف فرموده اند. و از جانب خود و دولت متبوعه ام از خداوند مسئلت می نمایم وجود مسعود آن اعلیحضرت هایون را که بجهت ممالک ایران سلطنت ایشان نعمتی است که پروردگار عالم عطا فرموده محفوظ فرماید، بر همه کس حق برساکنین اقصای بلاد ممالک ما معلوم و هویدا است، که سلطنت اعلیحضرت اقدس هایون شما را استعداد مقاصد خیره است که اثر آن در منهای نقطه تمدن ظاهر خواهد گشت، و هم چنین کاملاً آشکار است که خوشوقتی رعایای اعلیحضرت شما و ترقی و توسعه اقتدار روز بروز در تزايد می باشد. ولی نعمت جلیل القدر من مرا مجاز فرموده که عرض نمایم منهای امید و آرزوی صادقاته ایشان این است که روابط مودت آمیز دولتین که از شرفیابی من بحضور مبارک و درک این موهبت بیشتر مستحکم شده تا آخر مستدام باشد، و بجهت دولتین اسباب خوشوقتی و فواید عظیمه گردد، و نیز بعرض میرسانم که اعلیحضرت امپراطور و جمیع ملت ژاپون امیدوار و متمنی هستند که ترقی و حکمرانی با افتخار و امنیت مردمانی که در تحت فرمان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی هستند چندین هزار سال باقی بماند، و ایند عمر طویل بآن اعلیحضرت کرامت فرماید و تفضلات خود را نسبت بوجود مسعود دائمی و آسایش کامل و ایام آتیه ارزانی دارد

(شاهنشاه شهید سعید عبود در مقابل نطق مختصری فرموده، سفیر مرخص گشته، بعد از چندی اقامت بایامی تمام مراجعت به ژاپون نموده و بیک لایحه نوشته بپادگار گذاشت)

عنده

به اعتقاد عاجزاننده نگارنده حالا که دوا: ما مشروطه است انعقاد هم. تا به فواید دولتین عابترین برای ترویج تجارت و . . . بهترین وسیله است هرگاه مأمور هم بجهت خدمت لازم باشد از (ژاپون) جلب کرده و آرزوی سی ساله ژاپون را بجا باید آورد، الآن باخوبی لازم است که با جان و دل خریدار

این متاع جهان قیمت باشیم . و سهل است زیرا که اسباب او هم فی الجمله برای ما فراهم است و صدراعظم حالیته ما در پای تخت ژاپون بخوبی معرفی شده و رابطه آشنائی با وزرا یافته است . و خدمتی بالاتر از این بدوات و مات نخواهد بود .

البته اگر حضرت اشرف انک اعظم اقدام باین امر جایل نموده با مفتاح سیاسی این قفل را باز کند بمراتب نزد اهالی ایران نفوذ شان بیشتر خواهد شد . و کسانی که درباره ایشان سوء ظن دارند اوهام را از خود دور کرده خواهند فهمید که این شخص بزرگوار از فرنگستان نیامده است ، مگر مخصوص خدمت بوطن ، و مصمم است که نام نیکی از خود در صفحه روزگار بیادگار گذارد
(مشتاق وطن عبدالله غریب)

عراق عجم

هیئت سفارت دولت عاقله مقدره ژاپون براسی تحصیل روابط دوستی با دولت عالیله ایران در روز دوشنبه ۲۸ شهر جمادی الاخر ۱۲۹۷ هجری مطابق ۱۸۸۹ میلادی در بندر بوشهر از کشتی دولت ژاپون پیاده شده و بطهران حرکت کردند .

عده آنها هفت تن بود . نخست (بوشیدامسحرو) سفیر فوق العاده . دوم (بوکو یاما کوئی جیرو) مترجم فارسی . سوم (فورکواتو لویس) سلاطین مهندس . چهار تن دیگر از تجار معتبر ژاپون بودند که مقاصد شان نهایت عالی و خجسته بود . کسانی که در آن روز حاضر و ناظر حال ورود و پذیرائی ایشان بودند بحمد الله اغلب ایشان در قید حیثیت و حکایات گذشته را فراموش نکرده و ملتفتند که از سوء ترتیبات دوائر دولتی در آن سال شخص بزرگ دانشمند و وزیر آگاه نیکخواهی مانند مرحوم حاجی میرزا حسین خان سپهسالار طاب نواه را بحکومت قزوین فرستاده و کارهای خطیر را بمردمان حقیر سپردند البته نتیجه این امر آن است که دولت اتحاد و نعمت ارتباط سلطنت ایران با دولت ژاپن که بی منت و تقاضا فراهم شده بود از دست برود چنانکه (بیهقی اینگونه تمذیل گو)
(ان الامور اذا الأحداث رتبها)
(دون الشیوخ نری فی بعضها خلا)

سبس میگوید که یکی از بزرگان گفت (فی کاهای) بجای (فی بعضها) باید گفت .

انصاف دهیم که باز مردم آن عصر اگر دانا نبودند توانائی و قدرت داشتند . ولی در این ایام فحط الرجال بطوری واضح است که در میان هزاران تن وزیران و امیران امیرالسلطنه سپهدار سیف شاهر و امیر قاهر بقم میرود . و جای تعجب نیست (آن البقات بارضا تستسر) بقول عوام (جای نه گوشت نباشد چقدر بخته سالار است) دور نیست که جناب سپهدار بعد از خواندن این مقاله نا انگارنده در صدد محاکمت برآید و حاضریم

خلاصه از مطلب دور رفتم و این مسئله را نکفتم که تمذیل فتوگرافی سفیر محترم فوق العاده ژاپن که در خانه مرحوم آقا میرزا محمودخان قائم مقام بر داشته شده است اینک در خانه ایشان موجود است . و شرف واقفخار دانستن قدر آن مأمور برای خاندان نگارنده حاصل شده است . که او را به نیکوئی پذیرفته و یادگاری بزرگ از آن بدست آورده اند . ایکاش که دو باره مردن کافی ما که از همه پیشقدم تر و خبیر تر حضرت اشرف انک اعظم بشمر میرود در جلب روابط اتحاد این دولت آسیائی دامن محبت بگمزرده و این اساس مقدس را فراهم سازند
(شاید آب رفته باز آید بجوی)

تلکرافات

(۲۷ رجب المرجب - ۶ ستمبر)

§ قاصدی از (فیض) آمده خبر میدهد که سلطان مراکو قبل از آنکه باراده استیصال (مولی حفید) نهضت نماید مقابر مرشدان خود را زیارت کرده افواه است روز دوشنبه رهسپار مقصود خواهد شد

§ سلاطین پاشای معروف بحساره با یکی از جراید فراسه نموده که در باب استغفای آنان امیراعلاشان خبر ندارد

§ اعلیحضرت (ادورد هفتم) پادشاه انگلستان از (مرینباد) بلندن رجعت فرمود

(۲۸ رجب المرجب - ۷ ستمبر)

§ مخبر (روتر) از (کاسابلانکا) خبر میدهد که